

Evaluation of the history book (1) of the 10th grade of humanities

Taghipour-e-Javi Azam¹

Abstract

Textbooks play a decisive role in the memorization process of learning. In fact, textbooks are the most formal media in the field of scientific communication, which, despite the expansion of the use of new means of information, has a fundamental and important role in learning for all levels. Being productive in writing textbooks requires their continuous evaluation and criticism and efforts to eliminate shortcomings. A suitable textbook has characteristics and indicators that distinguish it from non- textbooks. Criticizing and analyzing the content of textbooks makes it necessary to be careful in its proper design and organization. The purpose of this research is to introduce and evaluate the history book (1) of the 10th grade of humanities. This research is a critical analytical study that, by examining the text, first introduces the book and then examines and evaluates it in terms of structure, content, method, language, and appearance. The findings of the research indicate that although the book in question has been able to familiarize students with historiography, philosophy of history, the importance and function of history in the first courses and the history of civilization in Iran and the ancient world, but it has many problems in terms of structure, content, method, language and appearance. Therefore, considering the importance of criticism in scientific researches and considering the analysis done about book, it is expected that the leading materials will improve the quality of historical books and improve scientific productions in this field.

Key words: history, evaluation, structure, content, method.

¹ Corresponding Author, Email: hirbodjalil@gmail.com

تحلیل انتقادی ساختار و محتوای کتاب درسی تاریخ (۱) پایه دهم علوم انسانی دوره

متوسطه

اعظم تقی پور جاوی^۱

دکتری تاریخ اسلام دانشگاه اصفهان، دبیر، اداره آموزش پرورش شهرستان خاتمیرزا

چکیده

کتاب‌های درسی در فرایند یاددهی یادگیری نقش تعیین کننده‌ای دارد. در حقیقت کتاب‌های درسی رسمی‌ترین رسانه در زمینه ارتباط علمی است که به رغم گسترش استفاده از وسایل جدید اطلاع‌رسانی، نقش اساسی و مهمی در یادگیری برای همه سطوح دارد. برخورداری از بهره‌وری در تألیف کتاب‌های درسی نیازمند ارزیابی و نقد مستمر آن‌ها و تلاش برای از بین بردن کاستی‌ها است. کتاب درسی مناسب ویژگی‌ها و شاخص‌هایی دارد که آن را از کتاب‌های غیر درسی متمایز می‌کند. نقد و تحلیل محتوای کتاب‌های درسی سبب می‌شود در طراحی و سازماندهی مناسب آن دقت کافی به عمل آید. هدف پژوهش حاضر معرفی و ارزیابی کتاب تاریخ (۱) پایه دهم علوم انسانی می‌باشد. این پژوهش یک مطالعه تحلیلی انتقادی است که با بررسی متن کتاب، ابتدا به معرفی کتاب، ویژگی‌ها، محاسن و فهرست مطالب و سپس به بررسی و ارزیابی آن از نظر شکل ساختاری، محتوایی، روشی، زبانی و شکل ظاهری می‌پردازد. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که اگرچه کتاب مورد نظر توانسته است تا حدودی دانش‌آموزان را با تاریخ‌شناسی، فلسفه تاریخ، اهمیت و کارکرد تاریخ در دروس نخستین و تاریخ تمدن در ایران و جهان باستان آشنا سازد، اما دارای اشکالات متعددی از لحاظ ساختاری، محتوایی، روشی، زبانی و شکل ظاهری است؛ لذا انتظار می‌رود با توجه به اهمیت موضوع نقد در پژوهش‌های علمی و با توجه به تحلیل انجام شده درباره آن کتاب، مطالب پیش‌رو موجب ارتقای کیفیت کتاب‌های تاریخی و اصلاح تولیدات علمی در این زمینه شود.

کلید واژگان: تحلیل انتقادی، کتاب درسی، تاریخ (۱)، پایه دهم، ساختار، محتوا.

^۱ رایانامه نو. ه. مسئول hirbodjalil@gmail.com

مقدمه

کتاب‌های درسی مدرسه به منزله یکی از رسانه‌های کارآمد و اثر بخش آموزشی به حساب می‌آید که می‌تواند امر یادگیری موثر را برای دانش‌آموزان فراهم کند. در واقع کتاب‌های درسی به رغم تنوع و تکرر وسایل جدید آموزشی و اطلاع‌رسانی، از مهم‌ترین ابزار آموزشی در همه سطوح به شمار می‌روند و در تحقق اهداف آموزشی و اطلاع‌رسانی نقش اساسی دارند. کتاب‌های درسی وسیله‌ای است که معلمان جهت یاددهی آن را به کار می‌گیرند و دانش‌آموزان جهت یادگیری و انجام تحقیقات علمی از آن بهره می‌برند.

نظام آموزشی فعلی کشور یک نظام متمرکز و برنامه درسی آن منحصر به کتاب درسی است که در کل کشور استفاده می‌شود. با توجه به رشد سریع علوم و فناوری و تغییر سریع در هنجارها و ارزش‌های اجتماعی ضرورت دارد که کتاب‌های درسی با دقت کافی و در حد امکان عاری از هر عیب و نقص و مطابق با اهداف تعیین شده و اصول علمی تألیف شوند. نقد و تحلیل کتاب‌های درسی فرصتی برای بررسی محتوا و چگونگی سازماندهی این رسانه آموزشی است. این امر می‌تواند نقاط قوت و ضعف احتمالی کتاب‌های درسی را برای اصلاح و تغییر احتمالی محتوا، متناسب با اهداف تعیین شده و اصول علمی مشخص کند و همچنین، شیوه درست طراحی را در اختیار برنامه‌ریزان و مؤلفان کتاب‌های درسی و علاقه‌مندان این حوزه قرار دهد. در این پژوهش کتاب تاریخ (۱) پایه دهم علوم انسانی از نظر شکل ظاهری، ساختار، محتوا و روش بررسی می‌شود. بدیهی است داوری نهایی درباره یک کتاب درسی بر اساس برآیند ارزشیابی از همه شاخص‌ها صورت می‌گیرد و میزان اعتبار هر یک از شاخص‌ها در نظر گرفتن زمینه‌های عاطفی، شناختی و مهارتی مخاطبان و با توجه به میزان آگاهی‌های پیشین و آمادگی ذهنی و همچنین ویژگی‌های شخصیتی و روانی آن‌ها تعیین می‌شود.

هر چند مسئله بررسی و ارزیابی کتاب‌های درسی از وجوه مختلف مورد توجه پژوهشگران این حوزه قرار داشته اما بررسی محتوایی، ساختاری، روشی، زبانی و شکل ظاهری کتاب تاریخ (۱) پایه دهم علوم انسانی موضوعی است که کمتر به آن پرداخته شده است. این پژوهش با نگاهی متفاوت از تحقیقات قبل سعی دارد به ارزیابی محتوایی، روشی، ساختاری، زبانی و شکل ظاهری تاریخ (۱) پایه دهم علوم انسانی بپردازد.

بخش اول: آشنایی با کتاب و معرفی آن

کتاب تاریخ ایران و جهان باستان توسط سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی با همکاری گروهی از مؤلفان از جمله رضا بیگدلو، محمد تقی ایمان‌پور، فریده حشمتی و... و با سرگروهی عباس پرتوی مقدم در ۱۶۸ صفحه از سوی انتشارات شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران تهران در سال ۱۴۰۲ به چاپ هشتم رسیده است. مؤلفان در سخنی با دبیران عبارت «کتاب تاریخ دهم، در چارچوب رویکرد و اهداف اسناد تحولی (سند تحول بنیادین و سند برنامه درسی ملی) و در ادامه برنامه درسی مطالعات اجتماعی دوره اول متوسطه، تألیف شده است. رویکرد خاص این کتاب، توجه و تأکید بر توسعه سواد تاریخی، هویت فردی و جمعی دانش‌آموزان و کمک به ارتقای تربیت سیاسی و اجتماعی آنان، به عنوان شهروند مطلوب است» را درج کرده‌اند. پیش‌گفتاری نیز در چند صفحه درباره اهمیت تاریخ دهم و ضرورت فراگیری آن آورده‌اند و بیان کرده‌اند که: هدفشان از ارائه فصل اول این است که دانش‌آموز با موضوع، منابع و روش پژوهش در علم تاریخ آشنا شود. محتوای این فصل به آن‌ها کمک می‌کند که پی ببرند تاریخ چگونه و با استفاده از چه منابع و مآخذی، پژوهش و نوشته می‌شود. فصل دوم کتاب به تاریخ جهان و فصل سوم به تاریخ ایران در دوره باستان اختصاص دارد. انتظار می‌رود که شما بخشی از آموخته‌هایتان در فصل اول را در فصل دوم و سوم به کار بندید و مهارت کاوشگری خود را تقویت کنید.

ساختار ظاهری کتاب

رنگ‌بندی و تصویر روی جلد: در طراحی روی جلد از دو رنگ آبی روشن و خردلی استفاده شده است و برای زیبایی بیشتر از رنگ سفید و سبز آبی در طراحی بهره گرفته شده است.

عنوان اصلی کتاب (تاریخ ۱) در یک سطر به رنگ سفید با خط نسخ فارسی تقریباً درشت و عنوان (ایران و جهان باستان) نیز با فونت کوچک‌تر در سطر پایین‌تر خودنمایی می‌کند. مقطع دوم متوسطه و عنوان رشته ادبیات و علوم انسانی در سمت راست عنوان اصلی درج شده است. نشان جمهوری اسلامی ایران با فونت کوچک در بالای جلد درج گردیده است. تصاویری از جمله، تصویر تخت جمشید در قسمت پایین روی جلد کتاب و تصویر برخی از ظروف به کار رفته در ایران باستان در قسمت پایین پشت صفحه خودنمایی می‌کند. جمله‌ای از رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز در قسمت بالای پشت جلد کتاب در کادری به رنگ آبی روشن نمایان است.

فهرست مطالب

کتاب در سه فصل به شکل زیر سازماندهی شده است:

فصل اول: به تاریخ‌شناسی و کاوش در گذشته پرداخته و در قالب سه درس زیر می‌باشد:

درس اول: تاریخ و تاریخ‌نگاری؛ درس دوم: تاریخ، زمان و مکان؛ درس سوم: باستان‌شناسی.

فصل دوم: به جهان در عصر باستان پرداخته و شامل درس‌های زیر است:

درس چهارم: پیدایش تمدن، بین‌النهرین و مصر؛ درس پنجم: هند و چین؛ درس ششم: یونان و روم.

فصل سوم و پایانی: ایران در عصر باستان، که بیشتر صفحات کتاب به این فصل اختصاص داده شده است و شامل موارد زیر است:

درس هفتم: مطالعه و کاوش در گذشته‌های دور؛ درس هشتم: سپیده‌دم تمدن ایرانی؛ درس نهم: ورود آریایی‌ها تا پایان هخامنشیان؛ درس دهم: اشکانیان و ساسانیان؛ درس یازدهم: آیین کشورداری؛ درس دوازدهم: جامعه و خانواده؛ درس سیزدهم: اقتصاد و معیشت؛ درس چهاردهم: دین و اعتقادات؛ درس پانزدهم: زبان و آموزش؛ درس شانزدهم: هنر و معماری.

در پایان کتاب نیز فهرست منابع و مآخذ، منابع لاتین، سایت‌ها و منابع الکترونیک آمده است.

بخش دوم: نقد کتاب

کتاب تاریخ (۱) ایران و جهان باستان یک کتاب درسی مدرسه‌ای است. تلاش ما بر این نکته مهم قرار خواهد گرفت که در یک فضای علمی و با رویکرد انصاف به داوری بنشینیم و نقاط ضعف و قوت آن را بر شمریم.

در ابتدا باید از نویسندگان کتاب که دست به قلم برده‌اند و کتابی هدفمند مطابق با سر فصل‌های آموزش تاریخ تألیف کرده‌اند تحسین و تمجید کرد. ابتدا، محاسن کتاب را ذکر می‌کنیم:

- مستند و با محتوای غنی نگاشته شده است. مخصوصاً درس اول که در مورد فلسفه تاریخ و شیوه‌های تحقیق در تاریخ مطالب ارزنده‌ای دارد. شروع کتاب با فلسفه تاریخ و چیستی آن عالی است. علاوه بر آن نویسندگان در همین درس با طرح مباحثی در زمینه تاریخ‌نگاری سنتی (وقایع‌نگاری) و جدید و ذکر تفاوت‌های این دو شیوه تاریخ‌نگاری یادگیری دانش‌آموزان را تسهیل و عمیق کرده‌اند.

- تألیف کتاب بر اساس سرفصل جدید

- استفاده از روش یادگیری تلفیقی و ترکیبی در آموزش تاریخ مزیت دیگر تاریخ دهم است. سازماندهی محتوا در برنامه درسی تاریخ دهم به صورت تلفیقی یا در هم تنیده ارائه می‌شود. برای نمونه می‌توان به درس دوم کتاب تحت عنوان تاریخ؛ زمان و مکان اشاره کرد که در این درس از مفاهیم سه حوزه تاریخ، جغرافیا و جامعه‌شناسی استفاده شده است. فضا و مکان، زمان، تداوم و تغییر، فرهنگ و هویت. مثلاً در ابتدای درس آمده است: «رویدادها و حوادث گذشته در دل زمان و در پهنه‌ای به نام مکان خلق شده‌اند. رویدادهای گذشته بشری با مشخص شدن زمان آن‌ها تاریخ‌دار می‌شوند. زمان‌شماری یکی از هوشمندانه‌ترین و پیچیده‌ترین فعالیت‌های فکری انسان به شمار می‌رود». در واقع در این‌جا بر مفاهیم کلیدی رابطه انسان، زمان و مکان تأکید می‌کنیم و از حوزه فضا و مکان بهره برده‌ایم و با مفاهیم جغرافیایی سر و کار داریم. در همین درس از روش تبدیل تاریخ هجری قمری به هجری شمسی و میلادی یاد شده است که در حقیقت تأکید بر مفاهیم کلیدی زمان، گاه‌شماری و تداوم کرده‌ایم. در همین درس، به معانی ماه‌های اوستایی و ایرانی اشاره شده است که با حوزه موضوعی فرهنگ و هویت مربوط است.

- یکپارچگی و یکدستی کتاب در حوزه باستان، پرداختن به تاریخ تمدن و رهایی از تاریخ صرف سیاسی و معرفی مناسب و درخور از تاریخ ایران باستان از دیگر نقاط مثبت کتاب است.

- استفاده درست از خط زمان که به دانش‌آموز حیطه رویدادها را نشان می‌دهد. برای مثال در درس چهارم برای معرفی دوره‌های پارینه سنگی، فرا پارینه سنگی، نوسنگی، دوره مس و سنگ و دوره مفرغ و محدوده زمانی آن‌ها از خط زمان استفاده شده است.

- دسته‌بندی و کاربردی کردن مطالب کتاب برای جذابیت؛ برای مثال در درس دوم اسامی ماه‌ها و معانی آن در گاه‌شماری اوستایی و اسامی روزهای ماه و معانی آن در گاه‌شماری اوستایی به صورت جدول در متن آمده‌اند. در درس هفت در قسمت نتایج و دستاوردهای کاوش‌ها و تحقیقات جدید، مطالب مربوط به تقسیم‌بندی جدید از سلسله‌های ایران باستان نیز به صورت جدول طراحی شده است.

- اهتمام به تلفیق هنر و تاریخ؛ می‌توان آموزش پاره‌ای از مطالب از جمله مطالب تاریخی را با امکانات هنری تسهیل کرد (هیل، ۱۳۳۴: ۸۶). نویسندگان کتاب عکس و تصاویر شخصیت‌ها، نگاره‌ها، سکه‌ها، کتاب، بناهای تاریخی، بازارها، سلاح‌ها، سنگ قبرها، لباس و پارچه‌ها، مراسمات و... را به خوبی و متناسب با متن استفاده کرده‌اند. نویسندگان کتاب با آگاهی از این که تصاویر مرتبط با متن معمولاً یک پیام متنی را ارائه می‌دهند و علاوه بر آن، مردم به طور طبیعی جذب تصویر می‌شوند و حوصله کافی برای خواندن یک صفحه خشک و خالی را ندارند؛ از این موضوع به خوبی بهره برده و با درج تصاویر در متن باعث افزایش احتمال خوانده شدن محتوای درس توسط فراگیران شده‌اند.

- توجه به فعالیت‌های متنوع؛ وجود این فعالیت‌ها که در چهارچوب درس طراحی شده و هدفمند نیز هستند دانش‌آموزان را به اندیشیدن فرا می‌خوانند. علاوه بر آن اشتیاق دانش‌آموزان در یادگیری درس تاریخ، تقویت همکاری، بالا رفتن قدرت مدیریت، احساس مسئولیت‌پذیری، انضباط کاری، صبر و تحمل در انجام امور و تحمل عقاید دیگران و مهارت‌های اساسی پژوهش در دانش‌آموزان از دیگر نتایج وجود فعالیت‌ها در کتاب درسی تاریخ (۱) پایه دهم علوم انسانی است.

- به کار بردن نقشه، نیز جذابیت و جلوه بصری کتاب را افزایش داده است. از مسائل مهمی که در آموزش تاریخ مورد توجه بوده و هست، مسئله مرزهای تاریخی و حدود و ثغور کشورها در روزگاران گذشته است. با بهره‌گیری بهینه از برخی دستاوردهای علم جغرافیا و استفاده از چند اطلس و نقشه تاریخی، می‌توان به فهم سریع‌تر و پایدارتر موضوع تغییر مکرر قلمرو و مرزهای ایران در سده‌های گذشته مدد رساند (خیراندیش، ۱۳۸۶: ۲-۳؛ هیل، ۱۳۳۴: ۴۶-۴۷). از نقشه‌های استفاده شده در متن کتاب برای نمونه می‌توان به نقشه هند باستان و نقشه طبیعی چین در درس پنجم اشاره کرد.

- نام بردن از شخصیت‌های مهم در طول تاریخ ایران و جهان باستان و معرفی نقش و اقدامات آن‌ها؛ برای مثال می‌توان به نقش حمورابی در بابل قدیم و اقدامات او در زمینه کشورداری، کشاورزی و قانونگذاری اشاره کرد. نقش بودا و تعالیم او در هند باستان، نقش شی‌هوانگ‌تی در چین باستان، نقش کوروش در تأسیس حکومت هخامنشی و... اشاره کرد.

- استفاده از تصاویر و عکس‌های متناسب با علایق دانش‌آموزان؛ این امر سبب افزایش و رشد قوه تخیل فراگیران می‌شود. مانند تصاویر بناهای تاریخی، تندیس‌های سرداران شجاع ایرانی، زیورآلات زنان در دوره‌های مختلف، تصویر هفت‌سین و زورخانه، آتشکده‌ها، پارچه‌ها، ابزار موسیقی و...

- رعایت اصولی چون چون رنگ‌آمیزی درست و متنوع، انتخاب فونت مناسب البته در بعضی صفحات.

- استفاده درست از منابع و همچنین ذکر این نکته که علاوه بر محتوای مکتوب آموزشی، قطعه‌های صوتی، تصویری و ویدئویی نیز برای پشتیبانی محتوای کتاب و ایجاد موقعیت‌های متنوع یادگیری، تهیه و پیشنهاد می‌شود.

- توجه به جغرافیای تمدن‌ها از جمله تمدن بین‌النهرین، مصر، چین، هند، یونان، روم و ایران؛ که زمینه شناخت و درک بهتر تاریخ را فراهم می‌کند.

- ذکر بیشتر بدانی‌ها، پرسش‌ها، بررسی شواهد و مدارک، فعالیت‌ها و کاوش‌های خارج از کلاس در تداوم و تعمیق یادگیری، قضاوت، ایجاد و تقویت روحیه بحث و پرسش‌گری در دانش‌آموزان نقش سهم بسزایی دارند.

-اهتمام به بیان میراث تمدنی در جهان و ایران باستان.

- محتوای کتاب به صورتی تنظیم شده است که می‌توان در فرایند تدریس از روش‌هایی مانند بحث گروهی، پرسش و پاسخ، روش اعضای تیم و... استفاده کرد.
 - معادل لاتین کلمات در کتاب ذکر شده است و این برای دانش‌آموزانی که دسترسی به مآخذ و دایره‌المعارف ندارند، نکته‌ی مثبتی است.
 - موضوع اثر و اهمیت آن؛ مهم‌ترین اصل و آن چه در ارزیابی یک کتاب درسی بدان توجه می‌شود انتخاب موضوع و عنوان مناسب است. در این خصوص، دقت کافی به عمل آمده است.
 - انطباق عنوان اثر با محتوا از دیگر مزیت‌های کتاب تاریخ (۱) است.
- بعد از برشمردن محاسن کتاب مواردی را که به نظر می‌رسد از کاستی‌های یک کتاب درسی است و نبود آن به ارزش علمی کتاب لطمه زده است یادآوری می‌کنیم تا مؤلفان محترم در چاپ‌های بعدی به برطرف کردن این کاستی‌ها همت گمارند.

نقد ساختاری

داشتن ساختار مناسب، تأثیر زیادی در جذابیت کتاب برای خواننده و نقش مهمی در یادگیری دارد. پژوهش‌ها نشان می‌دهند آن دسته از کتاب‌های درسی که سازمان‌دهی بهتری دارند یا سازمان‌دهی خود را برای خواننده، روشن و آشکار می‌سازند، بر میزان فهمیدن، به خاطر سپردن و به کار بستن اطلاعات آموخته شده می‌افزایند (ملکی، ۱۳۸۴: ۱۳). برای ارزیابی ساختاری یک کتاب درسی باید به این سوالات پاسخ‌های روشن و مستدل داده شود:

۱- آیا فصل‌های کتاب بر اساس نظام منطقی طبقه‌بندی شده‌اند؟ نحوه‌ی چینش فصل‌های کتاب در ارتباط با موضوع اصلی چگونه است؟ آیا زیر عنوان‌های هر فصل با موضوع آن فصل تناسب دارند؟ آیا سازمان‌دهی مطالب بندهای هر قسمت با کل آن قسمت هم‌خوانی دارد و در مجموع مطالب و محتوای کتاب از پیوستگی، یکپارچگی و انسجام کافی برخوردار است یا نه؟

یکی از مهم‌ترین موضوعات در بررسی کتاب‌های تاریخی چیدمان فصل‌هاست و همچنین موادی که به عنوان دروس مرتبط به آن فصول در اختیار مخاطبان قرار گرفته است. کتاب تاریخ دهم از نظر فصل‌ها شامل تاریخ‌شناسی، جهان در عصر باستان و ایران در عصر باستان است. در این میان، می‌بایست به سؤالاتی از این نوع پاسخ‌های قانع‌کننده‌ای داده شود: آیا درونمایه‌ی تاریخ دهم و همچنین جایگاه آن در تقسیم‌بندی جهانی محتوا مشخص شده است؟ آیا سلیقه‌ی مؤلفان در قرار دادن فصل‌ها اثر گذار نبوده است؟ آیا مبحث ایران در عصر باستان نمی‌توانست در فصل دوم قرار بگیرد؟ از آن‌جا که مؤلفان خواسته‌اند کتاب‌های تاریخی دوره‌ی متوسطه را به موازات هم و در یک سیر تاریخی پیش ببرند، انواع مطالب تاریخی را در این میان قربانی کرده‌اند و آن‌ها را با همین فصل‌ها به بند کشیده‌اند. ضمن این که سیر تاریخی در برخی مباحث کتاب مورد توجه قرار نگرفته و جایگاه تقسیم‌بندی جهانی محتوا مشخص نشده است. به نظر بنده اگر فصل سوم تاریخ دهم به جای فصل دوم در کتاب گنجانیده می‌شد در یادگیری دانش‌آموزان تأثیر بیشتری داشت.

نگارنده معتقد است که بسیاری از درس‌های فصل سوم باید در فصل جداگانه‌ای مطرح می‌شدند تا تاریخ سیاسی با اقتصاد، دین و... آمیخته نمی‌شد و یادگیری برای دانش‌آموزان آسانتر رقم می‌خورد. علاوه بر آن شایسته است مؤلفان کتاب، دلایل قانع‌کننده خود را برای قرار دادن هر یک از دروس در فصل سوم مطرح می‌کردند تا معلم به عنوان آموزش‌دهنده‌ی محتوای فصل‌ها به جوابی روشن در این مورد دست می‌یافت. به نظر می‌رسد اگر فصلی با عنوان تاریخ فرهنگی، اجتماعی و... به کتاب افزوده می‌شد، به غنا و طراوت کتاب بیشتر افزوده می‌شد.

افزون بر آن با توجه به محتوای کتاب مشاهده می‌کنیم که عدم توجه به پیوستگی، یکپارچگی و انسجام مطالب از جمله ضعف‌های این کتاب است. برای نمونه برای معرفی تمدن‌ها؛ تمدن‌های جهان از جمله مصر، بین‌النهرین، هند، چین، یونان و روم را به صورت کلی‌تر و تمدن ایران باستان را به صورت مفصل‌تری مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین توضیحات مربوط به تمدن بین‌النهرین و سایر تمدن‌ها را نیمه رها کرده و ادامه داده است. بی‌شک مؤلفان می‌توانستند با نام بردن از آخرین قومی (کلدانی‌ها) که بیش از یک قرن در میان دو رود حکومت کردند و حکومت آنان به بابل جدید معروف بود بر نظم و پیش بردن اهداف این درس بیفزایند. علاوه بر آن حذف اسامی شاهان سلسله‌های بزرگ و اقدامات آنان از دیگر مواردی است که سبب شده است کتاب از پیوستگی و انسجام خوبی برخوردار نباشد. در واقع شجره پادشاهی‌ها یکی از مهم‌ترین نیازهای کتاب تاریخ (۱) است که حداقل می‌بایست در سلسله‌های بزرگ رعایت می‌شد تا دبیر و دانش‌آموز قدرت تشخیص بهتری پیدا کنند. برای نمونه در درس نهم در معرفی پادشاهان ماد به دهیوک، هوخستره و آستیاگ و اقدامات آنان پرداخته شده است ولی در مورد دومین پادشاه ماد «فرورتیش» و تحولات دوران او مطلبی در متن دیده نمی‌شود. در درس دهم در مبحث سلسله سلوکیان هم به همین صورت فقط به سلوکوس اول و برخی اقدامات او اشاره شده و دیگر حاکمان سلوکی از جمله آنتیوخوس اول، آنتیوخوس دوم، سلوکوس دوم و... اقدامات آنان نادیده گرفته شده است. علاوه بر آن در همین درس در معرفی شاهان دوره اشکانی قاجار فقط به مهرداد اول و مهرداد دوم اشاره شده است و اثری از دیگر حاکمان اشکانی حتی به صورت جدول در متن دیده نمی‌شود. در مبحث ساسانیان نیز به همه پادشاهان ساسانی و اقدامات آنان اشاره ای نشده است. چه خوب است اسامی شاهان سلسله‌های بزرگ، دوران فرمانروایی و اقدامات آنان در یک جدول طراحی می‌شد.

یکی از نقدهای مهمی که بر ساختار کتاب تاریخ (۱) وارد است کلی‌گویی در نقل بعضی مطالب است که سبب می‌شود تا دانش‌آموز دچار ابهام و سردرگمی شود. شایسته است نویسندگان کتاب کلی‌گویی‌ها و زیاده‌گویی‌ها را حذف کنند و ابهامات را روشن سازند، و هر جا به گشودن و شکافتن مطلب حاجت است توضیح دهند و شاهد بیاورند. و با این کار هم متفکر و هنرمند و هم منتقد و خرده‌گیر باشند و بر نوشته‌های خود سختگیری نمایند (سمیعی، ۱۳۶۷: ج ۲/ ۸۸). برای مثال در درس سوم در قسمت مراحل کار باستان شناس ذکر شده است که تعدادی از آثار و بناهای تاریخی کشور عزیزمان ایران، مانند مردان نمکی زنجان و تمدن عظیم جیرفت در کرمان به طور تصادفی کشف شده‌اند. این در حالی است که مؤلفان هیچ اشاره‌ای به این موضوع نکرده‌اند که این آثار در نتیجه فعالیت‌های عمرانی و کشاورزی و یا بلایای طبیعی کشف شده‌اند. همچنین جنگ‌های بین رومیان و کارتاژی‌های (پونیک) در درس ششم، ذکر نکردن پادشان ایلام و آشور و اقدامات آنان در درس هشتم، علت فتح مسالمت آمیز بابل توسط کوروش و... از جمله مواردی دیگر در این زمینه است.

۲- آیا اهداف کل کتاب و یا هر فصل برای دانش‌آموز توضیح داده شده است؟ کیفیت مقدمه کتاب چگونه است؟ کتاب علاوه بر مقدمه، پیشگفتار نیز دارد؟ آیا برای کل کتاب در مقدمه و برای هر فصل در ابتدای آن، مباحث مقدماتی آورده شده است تا برای خواندن مطالب کتاب زمینه‌سازی شود و بر انگیزه دانش‌آموز بر دنبال کردن مباحث بیفزاید؟ با توجه به مطالب بیان شده در نقد ساختاری می‌توان گفت که با بررسی کتاب تاریخ (۱) مشاهده می‌کنیم که اهداف هر فصل در سخنی با دانش‌آموزان به صورت کلی بیان شده است. کتاب فاقد تیتري با عنوان مقدمه یا پیشگفتار است و اگر هدف نویسندگان از طرح مبحث سخنی با دبیران و دانش‌آموزان، آوردن پیشگفتار و مقدمه کتاب است باز هم کتاب با کاستی‌هایی روبه‌رو است. از جمله با مطالعه مبحث سخنی با دانش‌آموزان و دبیران در می‌یابیم که برخی از اجزای تشکیل دهنده کتاب که بایستی در مقدمه کتاب مطرح می‌شد نیامده است. کارکرد مقدمه، این است که خواننده را با هدف نویسنده از نگارش کتاب آشنا کند. بر این اساس کارکردهای مقدمه، شامل روشن ساختن موضع کتاب، طرح مسأله، فرضیات، بیان اهمیت و فایده پژوهش، مشخص کردن حدود و ثغور تحقیق و بیان فلسفه سازماندهی پژوهش می‌باشد

(ملائی توانی، ۱۳۸۶: ۲۰۵). در مقدمه کتاب حاضر برخی از اجزای مقدمه از جمله پیشینه تحقیق، نقد منابع و اهمیت و ضرورت پرداختن به بخشی از تاریخ از جمله تاریخ فرهنگی، اجتماعی و .. مغفول مانده است و نویسندگان بیشتر اهمیت تاریخ تمدن را بیان کرده‌اند. در واقع وجه تمدنی کتاب بر وجه سیاسی آن غلبه دارد از این رو کارکردهای منفی در دراز مدت بر آن مترتب است. علاوه بر آن نویسندگان در مقدمه کتاب ذکر کرده‌اند که رویکرد برنامه و کتاب درسی تاریخ، تأکید بر توسعه مهارت‌های سواد تاریخی، تحکیم هویت فردی، و جمعی دانش‌آموزان و کمک به ارتقای تربیت سیاسی و اجتماعی آنان، به عنوان شهروند مطلوب است. ولی بر خلاف ادعای نویسندگان با نگاهی به متن کتاب عدم توجه به هویت‌یابی در برخی مطالب کتاب مشهود است. از جمله در مبحث انحطاط و فروپاشی حکومت هخامنشیان که به ضعف و بی‌درایتی ایرانیان اشاره کرده است. این در حالی است که در کتاب‌های دبیرستان باید تلاش شود غرور ملی و آگاهی تاریخی نوجوانان و جوانان به درستی افزایش یابد. پیشنهاد می‌شود کتاب‌های تاریخی به گونه‌ای تنظیم شود که به همه ابعاد هویت ملی (اجتماعی، تاریخی، فرهنگی، سیاسی، دینی، زبانی، ادبی، جغرافیایی) توجه شود؛ زیرا هویت مفهومی چند بعدی و سیال است و به عنوان سرمایه اجتماعی شناخته می‌شود و بیانگر اصالت و سرگذشت یک ملت است و نگاه تک بعدی و افراط و تفریط‌ها می‌تواند پیامدهای ناخواسته‌ای در ایجاد بحران‌های هویتی برای جوانان در سطح فردی و تضعیف هویت ملی در سطح کلان داشته باشد. نتایج محتوای کتاب تاریخ پایه دهم نشان می‌دهد که ابعاد سیاسی، جغرافیایی، تاریخی و مذهبی بیشتر از سایر ابعاد مورد توجه قرار گرفته‌اند. بنابراین لازم است که محتوای درسی به گونه‌ای تنظیم شود تا ابعاد اجتماعی، فرهنگی و ادبی و زبانی هم مورد توجه قرار بگیرد تا زمینه علاقه‌مندی و آشنایی با تاریخ کشور بیشتر فراهم شود زیرا کشور ما دارای سرمایه‌های عظیمی در این زمینه است که به راحتی می‌تواند سرلوحه نسل جدید قرار گیرد و با افتخار به نسل بعد منتقل گردد. تاریخ و اصالت گذشتگان می‌تواند زمینه وحدت و پیشرفت در بسیاری از زمینه‌ها و علوم را فراهم سازد و به پویایی و غنای هویت ملی کمک کند.

۳- آیا در انتهای هر فصل جمع‌بندی مباحث و نتیجه‌گیری ارائه شده است؟ آیا پرسش‌ها، تمرین‌ها و فعالیت‌هایی برای یادگیری و فهم بهتر موضوع در کتاب گنجانیده شده است؟ کیفیت آن‌ها چگونه است و چقدر مناسب و راهگشا و مفیدند؟ نکته دیگری که در کتاب تاریخ (۱) مورد بی‌توجهی قرار گرفته است، جمع‌بندی و نتیجه‌گیری نکردن مؤلفان از مباحث ارائه شده است. جمع‌بندی در پایان هر فصل امری ضروری و حساس است. در واقع جمع‌بندی عصاره پژوهش است و از درون یافته‌های آن بر می‌خیزد.

نکته دیگری که در تاریخ (۱) قابل مشاهده است این است که اگرچه پرسش‌ها، تمرین‌ها و فعالیت‌هایی برای یادگیری و فهم بهتر موضوع در کتاب گنجانیده شده است ولی حجم فعالیت‌ها زیاد است، و قسمت زیادی از اطلاعات کتاب در قالب فعالیت‌ها، پرسش‌ها و تمرین‌ها به صورت کلی و گذرا مطرح گردیده است و در متن کتاب به آن هیچ توجهی نشده است و بدتر از آن که بسیاری از معلم‌ها هم این مطالب را جدی نمی‌گیرند.

۴- آیا از تصاویر، اشکال، جداول و نمودارها متناسب با موضوع کتاب استفاده شده است؟ در این صورت، آیا انتخاب و نحوه چینش آن‌ها در امر یادگیری به دانش‌آموز کمک می‌کند و حس کنجکاوی و جست و جو را در او بر می‌انگیزد. باید گفت که جدول‌ها، نمودارها، نقشه‌ها، عکس‌ها و.. باید در جای مناسب، یعنی بر پایه پیوند معنایی و محتوایی با مطالب، ارائه شود و با فهرست اولیه آن‌ها منطبق باشد. بدیهی است وقتی از یک موضوع، شخصیت یا منطقه، سخن به میان می‌آید جدول‌ها، نمودارها، نقشه‌ها و عکس‌های مرتبط با آن‌ها بلافاصله ارائه شوند. ایجاد فاصله بین متن و تصاویر آن‌ها را فاقد تناسب جلوه می‌دهد و از اهمیت و نقش آفرینی آن‌ها می‌کاهد. با مطالعه تاریخ (۱) متوجه می‌شویم که کتاب علاوه بر این که فاقد فهرست جداول، نمودارها، عکس‌ها و... است در برخی صفحات نیز بین تصویر و متن فاصله افتاده است. برای نمونه می‌توان به مبحث شی‌هوانگ‌تی و تصویر آرامگاه وی در درس پنجم اشاره کرد که بین آن‌ها فاصله افتاده است. یا نقشه فتوحات اسکندر در درس ششم و...

افزون بر آن، علاوه بر این که برخی تصاویر کتاب مطلوب نیست، برخی تصاویر نیز مبهم است و نیاز به توضیح دارد تا دانش‌آموزان بتوانند با آن‌ها ارتباط برقرار کنند. برای مثال تصویر صفحه ۱۰۰ که مربوط به مهر دوره هخامنشی است؛ در مورد شکل حیوانات و درختانی که در تصویر کشیده شده است توضیحی داده نشده است. یا تصویر پیکره ملکه نپیرآسو، تندیس اکتوپان و نیاز به توضیح دارند. و این امر سبب گردیده است که حس کنجکاوی و جست و جو در دانش‌آموزان برانگیخته نشود. با توجه به اهمیت این موضوع اگر بخشی برای توضیح و تفسیر عکس‌ها، نمودارها، جداول، نقشه‌ها و... بیاید به جاست.

مطرح کردن تصاویر، جداول، نمودارهای خط زمان و نقشه‌ها در کتاب بدون ذکر سند از دیگر کاستی‌های کتاب تاریخ (۱) پایه دهم است که تقویت و تحکیم یادگیری مطالب کتاب را برای دانش‌آموزان سخت کرده است. در آوردن تصاویر، جداول، نمودارها و... اگر به منابع مورد استفاده استناد می‌شد بسیار به جاست. همچنین بعضی تصاویر و رنگ‌آمیزی آنان مناسب نیست. برخی تصاویر بی‌روح و برخی کدر است که این موضوع برای دانش‌آموزان جالب و جذاب نیست.

۵- آیا کتاب، فهرست مطالب (به نوعی که نشان‌دهنده سازماندهی مطالب کتاب باشد) و فهرست‌های دیگر، از جمله فهرست منابع یا کتاب‌شناسی، فهرست راهنما، فهرست جداول و نمودارها و فهرست اصطلاحات و واژگان دشوار را دارا است؟ کتاب تاریخ (۱) فاقد فهرست راهنما برای معرفی تصاویر، جداول، نمودارها، اصطلاحات تاریخی و جغرافیایی، واژگان دشوار و... است. پیشنهاد می‌شود برای دسترسی آسان فراگیران به تصاویر، نقشه‌ها، جداول و... پژوهشگر باید این موارد را در فهرست منابع یا فهرستی جدا با ذکر شماره صفحه آنها ارائه کند.

ارزیابی زبانی

از مهم‌ترین موارد نقد کتاب‌های ارزیابی میزان رعایت زبان علمی در آن‌ها است. زبان علمی، زبان علمی، زبانی است شفاف با تعبیرهای مستقیم و دارای ساخت منطقی و نظم و آراستگی که الفاظ در آن، معانی حقیقی دارند و ما را مستقیم و بدون آن که بر سر کلمات و تعبیرات درنگ کنیم به مدلول رهنمون می‌شود (سمیعی، ۱۳۷۸: ۲۴). بنابراین، استفاده از واژگان و تعبیرات کنایی و دو پهلو زبینه کتاب‌های درسی نیست.

دشواری زبان کتاب درسی می‌تواند درک و فهم مطالب آن را به تأخیر اندازد و دانش‌آموزان را نسبت به خواندن آن بی‌رغبت کند. این‌رو، متن کتاب درسی باید از جهت رسا و روان بودن زبان متن سنجیده شود؛ رسا بودن بدین معنا نیست که مانند برخی از کتاب‌ها توضیحات فراوان و مثال‌ها و نمونه‌های خسته کننده داشته باشد؛ بلکه رسایی متن به معنای آن است که محتوای کتاب در عین مفهوم بودن، با انشایی پاکیزه و فراخور مباحث علمی و آراسته به اصطلاحات و تعبیرهای خاص زمینه مربوط تهیه و تدوین شود (کاردان، ۱۳۸۲: ۱۹). همچنین، روان بودن متن یعنی نثر کتاب از انسجام معنایی برخوردار باشد. این امر مستلزم آن است که ابتدا اجزاء سخن در جای خود نشاندۀ شود و دوم، میان جمله‌های یک بند و نیز میان بندهای یک قسمت پیوند و ارتباط برقرار گردد. عواملی بدین قرار در روانی متن موثرند:

۱- استفاده بجا از علائم سجاوندی؛

۲- استفاده از جملات کوتاه و پرهیز از کاربرد زیاد جمله‌های مرکب؛

۳- استفاده از بندها و پاراگراف‌های کوتاه؛

۴- پرهیز از به کارگیری واژگان و تعبیرات مهجور؛

۵- استفاده از جملات مثبت به جای جملات منفی؛

۶- به کارگیری کمتر از جملات معترضه؛

۷- پرهیز از به کارگیری ساخت‌های نحوی زبان فارسی کهن؛

۸- پرهیز از سره‌نویسی؛

۹- پرهیز از گرت‌برداری‌های نادرست از زبان بیگانه و...؛

۱۰- آوردن معادل‌های لاتین اسامی و اصطلاحات خارجی در زیرنویس یا پی‌نوشت.

معادل‌سازی برای اصطلاحات تخصصی نیز در کتاب‌های درسی اهمیت بسیاری دارد که کیفیت آن باید ارزیابی شده، مشخص شود که آیا نویسنده در واژه‌گزینی و معادل‌یابی موفق بوده است یا نه؟ به‌ویژه در اصطلاحات کتاب‌های علوم انسانی که معمولاً از زمینه‌های فکری و فرهنگی جامعه‌ها سرچشمه می‌گیرد. ارائه تعریفی گویا از معادل‌های برگزیده در پایان کتاب می‌تواند از محاسن کتاب شمرده شود. می‌توان گفت از زمانی که نام کنکور بر روی کتاب‌های تاریخی چنگ انداخته است، معنا قربانی لفظ و ظاهر شد و این گونه است که در کتاب تاریخ با تکه‌ها و پاراگراف‌های بریده بریده و بدون سرانجام، جمله‌های طولانی و گاهی ناقص، متن سنگین و در هم فشرده روبه‌رو هستیم. به نظر اینجانب متن می‌بایست به شکل روان نگاشته و تدریس شود، مخاطب امروز هیچ نیازی ندارد که متن‌های سنگین با کلمات دشوار را در یابد. علاوه بر آن مؤلفان کتاب نه تنها در پایان کتاب به معادل‌های برگزیده اشاره نکرده‌اند؛ بلکه برخی واژه‌ها را همان‌طور در متن به کار برده‌اند.

از شاخص‌های دیگر زبانی، میزان رعایت قواعد نگارشی و کیفیت ساختار دستوری متن است که به نحوی به ویراستار ادبی کتاب نیز مربوط می‌شود. لازم است یکدستی رسم‌الخط و میزان رعایت دستور خط فارسی مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی در نثر کتاب ارزیابی شود. اگرچه تلاش شده است تا این مهم بر آورده شود ولی هنوز کاستی‌هایی در متن مشاهده می‌شود.

علائم سجاوندی؛ اگرچه در صفحات مختلف کتاب این قاعده‌های نگارش رعایت شده است ولی باز هم کاستی‌هایی در متن به چشم می‌خورد.

غلط‌های چاپی؛ غلط‌های چاپی در کتاب اندک است و این از نکات مثبت کتاب به حساب می‌آید.

پاراگراف‌بندی مناسب؛ پاراگراف‌بندی متن باعث انسجام، سازماندهی درست مطالب درسی، آراستگی، و نظم‌بخشی می‌گردد. این امر دانش‌آموز را در درک بهتر یاری می‌دهد و مانع از خستگی و انزجار او می‌شود. این نکته در کتاب به خوبی رعایت نشده است.

مباحث تکراری؛ برای مثال ذکر مبحث تکراری مزدک در اول پاراگراف صفحه ۱۱۳ ضروری نیست. چون در درس ده به این جمله اشاره شده بود. یا در صفحه ۱۰۵ مبحث قانون‌نامه حمورابی تکراری است. همچنین سپاه جاویدان در صفحه ۱۰۶.

نقد محتوایی

اهداف اصلی هر کتاب درسی از طریق مفاهیم نهفته در محتوای آن تأمین می‌شود. مهم‌ترین بخش نقد هر کتاب، ارزیابی محتوایی آن است که باید متخصصان هر رشته به آن مبادرت ورزند. نقد و تحلیل محتوای کتاب درسی کاربردهای متنوعی دارد که شاید مهم‌ترین کارکرد آن تعیین میزان تناسب محتوا با هدف‌های برنامه درسی است. تحلیل محتوا روشی برای مطالعه و تحلیل ارتباطات به شیوه‌ای نظاممند، عینی، و کمی با هدف اندازه‌گیری متغیرها است (راجردی،

۱۳۸۴: ۲۱۷). در نقد و تحلیل محتوای کتاب‌های درسی از روش‌های مختلفی استفاده می‌شود. در یک دسته‌بندی می‌توان روش‌های تحلیل محتوا را به دو گروه روش‌های کمی و روش‌های کیفی تقسیم کرد. در روش‌های کمی، معمولاً مقدار زیادی داده به گونه مختصر تحلیل می‌شوند. در این روش می‌توان مجموعه‌ای از متون یا اسناد را استخراج، شمارش و طبقه‌بندی کرد. در روش‌های کیفی مقدار کمی داده به طور مرکب و مفصل تحلیل می‌شوند و پایه واحد اطلاعاتی ظهور یا غیبت یک خصیصه است (فاضلی، ۱۳۷۶: ۹۹).

چگونگی تنظیم محتوای کتب درسی عامل مهمی در تعیین چگونگی یادگیری است. گاهی کارایی نداشتن و نامناسب بودن محتوا و تناسب نداشتن آن با توانایی درک و فهم فراگیران را مشکل می‌کند یا نتیجه‌ای کم‌تر از انتظار به بار می‌آورد. معیارهایی در دستیابی به بهترین سازماندهی محتوا باید رعایت شود که از جمله اساسی‌ترین آن‌ها می‌توان به این زمینه‌ها اشاره داشت: توالی، استمرار، تعادل، وسعت، وحدت. توالی و استمرار ناظر بر شیوه‌های سازماندهی عمودی محتوا و وسعت مربوط به سازماندهی افقی است (ملکی، ۱۳۷۶: ۱۸).

تحلیل محتوای کتب درسی، که نوعی ارزشیابی تلقی می‌شود، دو بعد صوری و عقلانی دارد؛ در بخش صوری به جذاب بودن کتاب، داشتن طراحی مناسب، خط زیبا و فواصل منطقی، و حاشیه‌های اطراف متن توجه می‌شود و در بخش عقلانی، تناسب محتوا با ساختار دانش رشته و تناسب محتوا با تجربیات قبلی حائز اهمیت است. مهم‌ترین شاخص‌های ارزیابی محتوایی کتاب درسی عبارت است از:

۱- روزآمدی، دانش بشر در رشته‌های مختلف دائماً در حال افزایش و تغییر است. این افزایش و تغییر، ناشی از دستاوردهای جدید و کشفیات تازه علمی یا تغییر در روش و رویکردها است؛ از این رو کتاب درسی باید تازه‌ترین اطلاعات علمی مربوط به موضوع را در بر داشته باشد و مطالب آن هر چند یک بار مورد تجدید نظر قرار گیرد و به روز شود. بنا بر آن چه گفته شد محتوا باید به گونه‌ای یادگیرنده را در فرآیند یادگیری درگیر کند که او خود بتواند مفاهیم را کشف کند و پاسخگوی عدم تعادل مفاهیم ذهنی خود باشد. مسائلی که به منظور درگیر ساختن فراگیر طراحی می‌شوند نباید به گونه‌ای باشند که دانش آموز بتواند به سرعت پاسخ آنها را از کتاب درسی مربوطه پیدا کند؛ بلکه پاسخ‌ها باید به گونه‌ای باشند که مستلزم مرتبط ساختن واقعیات و ایده‌های مختلف باشند. بنابراین با توجه به متن کتاب تاریخ دهم شایسته است مطالب این کتاب مورد ارزیابی قرار بگیرد و از روش‌ها و رویکردهای جدید در طراحی متن کتاب استفاده شود. همچنین انتظار می‌رود در این کتاب، نوآوری و خلاقیت مشاهده شود. نوآوری در سازماندهی و چینش و خلاقیت در عرضه مطالب سودمند.

۲- جامعیت و مفید بودن، کتاب درسی در زمینه موضوع مورد نظر خود باید جامع و مفید باشد. جامع بودن مطالب کتاب درسی بدین معنا نیست که دارای جایگاهی برای گردآوری هر مطلبی است و به نحوی با موضوع مرتبط است؛ بلکه بدین معنا است که باید با توجه به اهداف کلی و اهداف ویژه و سر فصل‌های هر درس سنجیده شود. با توجه به این که اهداف کلی کتاب در ابتدای کتاب و در آغاز هر فصل ذکر شده است؛ اما متأسفانه در برخی درس‌ها کاستی و کمبودهایی مشاهده می‌شود. مثلاً در بخش دوم کتاب مفاهیم مهم‌تری در مورد این تمدن‌ها وجود دارد که باید دانش‌آموزان با آن مفاهیم آشنا شوند. برای مثال زمانی که دانش‌آموز در زمینه علوم در تمدن‌های جهان اطلاعاتی ندارد و دانشمندان آن‌ها را نمی‌شناسد چگونه می‌تواند آن را با تمدن ایران مقایسه کند؟

اگرچه مفید خواندن امری کاملاً نسبی به حساب می‌آید و افراد با توجه به وسعت دایره اطلاعاتی خویش موضوعی را مفید یا غیر مفید می‌نامند، در نظر داشتن نیاز و سطح دانش مخاطبان کتاب و نحوه ارائه مطالب مسئله‌ای مهم و اساسی است. کتاب تاریخ (۱) به عنوان منبع درسی اصلی برای معرفی تاریخ ایران و جهان باستان و دانش‌آموزان پایه دهم پیش‌بینی شده است که مفید بودن موضوع را می‌رساند.

۳- مرتبط بودن مطالب کتاب با سایر دروس وابسته، هر درس در مجموعه دروس مدرسه با برخی دروس دیگر مرتبط است. محتوای کتاب درسی باید آن گونه باشد که امکان ارتباط با سایر دروس وابسته را برای دانش آموز فراهم کند (متین، ۱۳۸۳: ص ۹۴).

مطالب کتاب تاریخ (۱) با علومی هم چون جغرافیا، جامعه‌شناسی در ارتباط است ولی یکی از کاستی‌های مهم این کتاب آن است که در تألیف آن از روانشناسی و روان‌شناسان استفاده نشده است؛ کسانی که می‌توانند علایق نوجوانان را بشناسند و آن را در محتوای کتب لحاظ کنند.

۴- طرح سوال‌های جدید و افق‌های تازه، کتاب درسی نباید فقط وسیله‌ای برای انتقال دانش به دانش آموزان باشد؛ بلکه باید مطالب آن بتواند سوال‌های جدیدی در ذهن دانش آموزان ایجاد کند و افق‌های تازه‌ای پیش روی آن‌ها بگشاید. این هدف از طریق برانگیختن حس کنجکاوی و کاوشگری در دانش آموزان و آموزش تفکر انتقادی به آنان تحقق می‌یابد. در واقع در سازماندهی کتب درسی توجه به رویکردهایی که به دانش آموز فرصت دهد تا بیندیشد، تأمل کند، و نقادانه به متون و محتوا نگاه کند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. رویکرد تفکر نقادانه ریشه در نظریه شناختی یادگیری دارد؛ زیرا این نظریه بر ماهیت شناختی ذهنی فرایند یادگیری تأکید می‌کند و یادگیری را درک و بصیرت و یادگیرنده را موجودی فعال و کنجکاو می‌داند (برک، ۱۳۸۳: ۱۳۰). در طراحی کتب درسی هدف فقط آموزش برخی از مفاهیم یک حوزه تخصصی خاص نیست؛ بلکه باید زمینه‌هایی برای اندیشیدن، تحلیل کردن، ارزیابی کردن، و استنتاج کردن فراهم کرد. مهارت‌های تفکر نقادانه، مؤلفه‌های روند این نوع تفکر از مرحله مواجه شدن با اطلاعات تا رسیدن به داوری هدفمند است. این مهارت در سنجش منطقی و نقادانه موضوعات گوناگون هم چون شواهد و مدارک، مفهوم‌سازی، روش‌ها، معیارها، و زمینه‌ها به کار می‌رود (قاضی مرادی، ۱۳۹۱: ۸۱).

با توجه به مؤلفه‌های تفکر انتقادی که می‌توان آن‌ها را عبارت دانست از: کنجکاوی اندیشمندانه، گستردگی فکر(ذهن باز)، تعریف و شفاف‌سازی مسأله، بررسی دقیق افکار و عقاید، شک‌گرایی معقول، پذیرفتن احتمالات نوین، استدلال کردن، تجزیه و تحلیل، ارزیابی مدارک، شواهد و اظهارات، هنر اندیشیدن درباره تفکر خود و قضاوت صحیح. بر اساس مبانی نظری و تجزیه و تحلیل محتوای کتاب درسی تاریخ (۱) پایه دهم علوم انسانی می‌توان گفت که توزیع مؤلفه‌های یازده‌گانه تفکر انتقادی، در محتوای کتاب درسی متناسب نبوده، به طوری که به برخی از مؤلفه‌ها به میزان بسیار کمی توجه شده است. دوم این که توجه به بعد شناختی آموزش تفکر انتقادی بیش از چند برابر میزان توجه به ابعاد عاطفی و عملکردی است، در صورتی که آموزش تفکر انتقادی مستلزم آن است که دانش آموز در فرایند یادگیری فعال باشد و در نتیجه باید به بعد عملکردی توجه بیشتری شود. به نظر می‌رسد چنین امری تصادفی نبوده و علی‌رغم این که در کتاب درسی تاریخ (۱) فعالیت‌هایی مانند «فکر کنید و پاسخ دهید»، «بیشتر بدانید»، «بررسی شواهد و مدارک»، و «پرسش‌های نمونه» نیز وجود دارد؛ اما دیدگاه قالب کتاب درسی انتقال تمدنی است که در چارچوب این دیدگاه، وظیفه مدرسه انتقال یا القای فرهنگ و تمدن پذیرفته شده به وسیله جامعه به دانش آموزان است. در حالی که لازمه آموزش تفکر انتقادی، مشارکت فعال دانش آموز در فرایند یادگیری است و به همین جهت باید به بعد عملکردی بیشتر توجه شود.

میزان توجه به بررسی دقیق افکار و عقاید در محتوای کتاب درسی تاریخ (۱) نیز به میزان کمی است. در مقطع متوسطه، دانش آموزان از تفکر انتزاعی سطح بالایی برخوردارند به خصوص نسل حاضر نسل پرسشگر و جست و جو گری است، بنابراین چنان چه در محتوای کتاب درسی به نیازهای دانش آموزان پاسخ داده نشود، در جای دیگر به دنبال پاسخ سوال خود خواهد رفت که معلوم نیست چه نتایجی به دنبال داشته باشد.

در محتوای کتاب درسی نیز به مؤلفه‌های گسترده‌ی فکر، شک‌گرایی معقول، پذیرفتن احتمالات نوین، هنر اندیشیدن درباره‌ی تفکر خود و... به میزان بسیار کمی توجه شده است؛ مؤلفه‌های تفکر انتقادی با یکدیگر ارتباط دارند و در واقع مانند حلقه‌های زنجیر به هم پیوسته و مکمل یکدیگر هستند، از یک نظر می‌توان گفت که تفکر انتقادی با کنجکاوی اندیشمندانه شروع می‌شود و با قضاوت صحیح پایان می‌یابد. بنابراین تناسب توزیع مؤلفه‌های تفکر انتقادی در محتوای کتاب یک امر ضروری است.

۵- وجود تناسب میان حجم اطلاعات اصلی و حجم اطلاعات جنبی، گروهی از نویسندگان پر نویسندگانی و با شاخ و برگ دادن مطلب و آوردن شواهد، مثال‌ها و توضیحات بیش از اندازه، بر حجم اطلاعات جنبی می‌افزایند. گروهی دیگر کم نویسند و اهل ایجاز و خلاصه‌نویسی‌اند و خواننده را بیش از اندازه به تأمل وادارند، به طوری که در روند مطالعه، وقفه ایجاد می‌کنند. حجم اطلاعات اصلی در کتاب درسی باید با حجم اطلاعات جنبی تناسب منطقی داشته باشد و نیز اطلاعات اصلی در کتاب به شیوه‌ای مناسب برای خوانندگان مشخص شود تا آنان بدانند که پیام‌های اصلی نویسنده چیست و در خواندن کتاب باید به دنبال چه چیزی باشند.

با مطالعه و بررسی تاریخ (۱) متوجه می‌شویم که ایجاز کتاب در بعضی جاها عالی و در بعضی جاهای کتاب مخل است. برای مثال تعداد اسامی کم است و این امر قدرت داستان‌سرایی کتاب و تخیل را برای دانش‌آموزان کم می‌کند. افزون بر آن مؤلفان کتاب خیلی از مطالب تاریخی به ویژه در قسمت «اکد و بابل» را بدون توضیح یا با اشاره‌ای مختصر آورده‌اند؛ در نتیجه برای تدریس آن‌ها زمان زیادی لازم است. همچنین در مبحث جغرافیای تاریخی، تمدن مصر، بین‌النهرین و سومر نسبت به آشور بیش از حد توضیح داده شده است. حذف تمدن آشور بنا به هر دلیلی، از مسائل دیگر این درس است. البته مؤلفان به این نکته اشاره کرده‌اند که در درس نهم مطالب بیشتری در مورد آشور فرا خواهید گرفت ولی مطالب طرح شده در درس نهم بیشتر در زمینه تاریخ سیاسی آشور است در صورتی که لازم بود مؤلفان به این نکته که تمدن آشور به ملکه شرق معروف بود و یا حداقل به کتابخانه آشوربانی پال، اشاره می‌کردند و یا ذکر می‌کردند که نخستین پادشاهانی که به ساختن راه‌ها و جاده‌ها همت گماشتند، آشوری‌ها بودند تا فراگیران فقط چهره منفی از آشوری‌ها و به ویژه آشوربانی پال در ذهن نداشته باشند. در درس نهم نیز مؤلفان در مورد برخورد کوروش با ملت‌های مغلوب مطالب زیادی ذکر کرده‌اند ولی از رفتار دیگر پادشاهان هخامنشی با ملت‌های مغلوب غافل مانده‌اند؟ بهتر بود نویسندگان حداقل به رفتار کمبوجیه با مصریان اشاره مختصری می‌کردند تا قضاوت و بررسی دانش‌آموزان از شاهان هخامنشی بهتر صورت می‌گرفت.

۶- ظرفیت مطالب کتاب در ایجاد ارتباط با موضوعات میان‌رشته‌ای، زمانی بود که برای هر موضوع و مباحثی نظام و چهارچوب از پیش تعیین شده قائل بودند و این از جهت مبانی، روش و رویکرد غیر قابل تخطی بود؛ اما امروزه مباحث میان رشته‌ای و فرا رشته‌ای جایگاه ویژه‌ای در تحقیقات علمی دارند. این دیدگاه، محصول تعامل بین دو یا چند رشته علمی برای پژوهش درباره مسأله‌ای است و نتیجه آن وحدت‌بخشی به دانش‌های متفاوت در عصر کنونی است. یکی از معیارهای کیفی ارزشیابی کتاب‌های درسی، میزان توجه نویسنده به ظرفیت مطالب کتاب برای پیوند با مباحث سایر رشته‌ها در حل مسائل جدید و یا مواجهه جدید با مسائل است؛ زیرا سیر پیشرفت علوم جدید به ما می‌آموزد که علم به گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر بین‌رشته‌ای است و علوم، علی‌رغم محدود بودن در چهارچوب رشته علمی، بخشی از روایت‌های دانش‌های دیگرند (رهادوست، ۱۳۸۲: ۲۰۰). درس تاریخ باید به دانش‌آموزان در جهت شناخت و حل بهتر مسائل امروزی جامعه کمک کند برقراری ارتباط با مسائل جامعه از جمله اصولی است که باید در محتوای درس تاریخ به آن توجه بیشتری شود. با توجه به اینکه مقوله مرتبط ساختن مطالب تاریخی با مسائل کنونی جامعه با نظر به ارتباط تعلیم و تربیت با نیازها و مسائل در نظر گرفته شده است. این ارتباط در فرایند تعلیم و تربیت شکاف میان نظر و عمل و همچنین رخنه میان دانش‌آموزان و پژوهش را پر خواهد کرد و این ارتباط سازنده، یادگیری را برای دانش‌آموزان دلپذیر ساخته

و منجر به یادگیری پایدار و مفید می شود که در کتاب تاریخ (۱) به این ارتباط موثر کمتر توجه شده و مود اغفال واقع شده است. عدم توجه به این شاخص چه بسا بتواند زمینه رویگردانی دانش آموزان از دانش تاریخ را فراهم سازد.

۷- ظرفیت مطالب کتاب در برقراری ارتباط با یادگیرنده و اثرگذاری بر او، بررسی های عاطفی و روانی دانش آموزان نشان می دهد در صورتی که که آنان با متنی ارتباط مثبت برقرار کنند و آن را بپذیرند، فراگیری و یادگیری شان افزایش می یابد، از این رو، محتوای کتاب درسی باید با توجه به زمینه های عاطفی، شناختی و مهارتی دانش آموزان ارائه شود. وجود عوامل برانگیزاننده در کنار زمینه هایی که دانش آموز آگاهی های پیشین خود را با مطالب کتاب مرتبط کند و همچنین وجود امکاناتی در کتاب که دانش آموز بتواند به تحقیق بپردازد و دامنه اطلاعات خود را افزایش دهد از محاسن کتاب درسی شمرده می شود.

با بررسی کتاب تاریخ (۱) متوجه می شویم که مؤلفان محتوای کتاب را طوری تنظیم کرده اند که دانش آموزان را به اهداف تعیین شده در سه سطح دانش، مهارت و نگرش برسانند. محتوای ارائه شده در این درس تنها محدود به مطالب نیست؛ بلکه آمیزه ای از محتوای کتاب درسی، پیوند میان سایر اجزای بسته آموزشی، اشکال سازماندهی و انطباق محتوا با شرایط و زمینه های فرهنگی، اجتماعی و ... است. معلم با فراهم آوردن امکانات و طراحی فعالیت های مناسب تحقق اهداف را میسر می سازد. در قلمرو شناختی، هدف هایی مورد نظرند که صرفاً با فعالیت های ذهنی دانش آموزان ارتباط می یابند. در قلمرو مهارتی، هدف هایی مورد توجه اند که با توانایی ها و مهارت های عملی مرتبط هستند. در قلمرو ارزشی، هدف هایی که جنبه عاطفی دارند و نگرش و طرز تلقی افراد را نشان می دهند مورد انتظارند. جهت گیری برنامه، این است که دانش آموزان در سطح دانش باقی نمانند و به سطوح بالاتر شناختی برسند؛ اما با توجه به اهداف مؤلفان از تنظیم کتاب باز کاستی هایی هم در محتوا و هم از طرف مدرسه مشاهده می شود.

حذف فعالیت های مربوط به بازدید: انجام فعالیت های عملی از سوی دانش آموزان نه تنها سبب می شود که روحیه پژوهشگری ارتقا یابد؛ بلکه در درک و فهم مفاهیم نیز به دانش آموزان کمک می کند. بنابراین دانش آموزان از طریق بازدیدهای علمی بهتر می توانند مسائل را درک کنند. تقریباً تمام مدارس که بنده به عنوان دبیر در آنجا مشغول به تدریس بودم، به این اشاره کردند که آن ها نمی توانند دانش آموزان را به دلایل گوناگون مانند عدم همکاری والدین، نبود زمان، کمبود بودجه و غیره به بازدید ببرند، و این تأثیر منفی در یادگیری دانش آموزان داشت. محتوا و روش ارائه کتاب نیز باید کاوشگری دانش آموزان را ترغیب کند. شیوه ارائه مطالب باید فعال، برانگیزاننده و واگرا باشد در حالی که روش تدریس در بیشتر مدارس بیشتر به صورت سنتی است و این در حالی است که اگر معلم نسبت به جزئیترین مطالب کتاب نیز حساس باشد هیچ فرصتی برای بهرگیری از سایر موارد وجود ندارد.

اگرچه طراحان کتاب برای ترغیب دانش آموزان به کاوشگری سعی کرده اند بعد از درک و فهم مطالب، به سطح کاربرد توجه کنند که با اصطلاح «بیشتر بدانیم»، «فعالیت ها»، «یک توضیح» و... باید زیر نظر معلم و در برخی از موارد اولیای دانش آموز اجرا شود. ولی یافته های اینجانب حاکی از آن بود که این موارد به دلیل کمبود زمان انجام نمی شدند. در صورتی که انجام دادن این فعالیت ها از سوی دانش آموزان آن ها را برای یادگیری مطلب مرحله بعد آماده می کند. در واقع دانش آموزان هنگامی به سطح کاربرد می رسند که آن چه را یاد گرفته اند در زندگی واقعی خود به کار برند. با این شرایط می توان گفت که کتاب تاریخ (۱) پایه دهم بیشتر به سطح دانش دانش آموزان توجه کرده است. و معلمان نیز همان رویه را که دانش آموزان باید مطالب را حفظ کنند در مدارس ادامه می دهند.

نکته بعدی که جای آن در کتاب تاریخ دهم خالی است توجه به بعد عاطفی است. بدیهی است که کسب دانش و اطلاعات در خصوص تاریخ و تمدن ها و مواردی از این ها برای دانش آموزان اهمیت بسیار بالایی دارد؛ اما نکته اساسی اینجا است اگر دانش آموزان نگرش مثبتی به کاربرد این درس و دانش نداشته باشند، یا در حالت کلی به این درس علاقه نداشته

باشند، در این صورت چه اتفاقی خواهد افتاد؟ آیا باز می‌توان از کارایی و اثربخشی برنامه‌های درسی و آموزش‌های صورت گرفته سخن گفت؟ متأسفانه یکی از مشکلات امروزی محتوای برنامه درسی نگرش منفی دانش‌آموزان به آن است. درگیر شدن در فعالیت‌های یک درس موجب می‌شود که تنها به انتقال اطلاعات تاریخی و جغرافیایی و انباشتن ذهن دانش‌آموزان به دانستنی‌ها و داده‌ها توجه نشود؛ بلکه در باورها و نگرش‌های دانش‌آموزان نیز تغییر به وجود آید. اگر برای دانش‌آموزان یادگیری صورت نگیرد علاقه به درس برای آنها دشوار خواهد بود. بنابراین باید به پیوند نزدیک موضوعات با مسائل و نیازهای واقعی فردی، خانوادگی و اجتماعی دانش‌آموزان با محتوای کتاب توجه شود. متأسفانه، در مدارس کشور ما و همچنین در تألیف و تدوین کتاب درسی به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان و تفاوت‌های منطقه‌ای و جغرافیایی و نیازهای دانش‌آموزان توجه چندانی نشده است. به نظر اینجانب، رویکرد آموزشی مورد نظر طراحان و نویسندگان محترم کتاب که در پیشگفتار بدان اشاره کرده‌اند، محقق نمی‌شود. آن‌ها فضایی ایده‌آل و مدرسه‌ای ایده‌آل را در نظر داشته‌اند یا اصلاً کلاس نرفته‌اند و با مدرسه و کلاس بیگانه‌اند. کتاب تاریخ بدون توجه به علایق دانش‌آموزان طراحی شده است و از این رو دانش‌آموزان، مطالب درسی را بدون در نظر گرفتن علاقه و استعدادشان فرا می‌گیرند. آن‌ها از نظر سطح یادگیری و همچنین آموزش در سال‌های قبل با هم متفاوت‌اند و چه‌بسا با چند معلم با توانایی‌های متفاوت کار کرده‌اند. بسیاری از این دانش‌آموزان به سبب بی‌توجهی در سال‌های گذشته و یا آموزش نادرست یا ناقص، درک درستی از تاریخ ندارند. از این رو کتاب‌های درسی و آموزشی ما باید به گونه‌ای باشد که دانش‌آموزان را از سردرگمی و ابهام خارج سازد. چه بهتر بود که با اتخاذ روش‌ها و برنامه‌هایی، دانش‌آموزان می‌توانستند با توجه به علاقه و رشته خود دروسی را انتخاب کنند و در آن زمینه به مطالعه و پژوهش بپردازند.

- نکته بعدی که باید به آن اشاره کرد این است که ارزشیابی از کار دانش‌آموزان باید به منظور اطمینان از تحقق اهداف تعلیم و تربیت، صورت پذیرد تا به نوعی اجازه ورود دانش‌آموز به مراحل بالاتر محسوب شود. نگاه ارزشیابی باید نگاهی جامع و متوازن باشد. یک‌سونگری و تمرکز بر بخش‌هایی خاص، ارزشیابی مناسبی محسوب نمی‌شود. با بررسی محتوای پرسش‌های کتاب تاریخ (۱) متوجه می‌شویم که برخی از شاخصه‌های ارزشیابی آن گونه که متناسب با اهداف درس تاریخ است، به کار برده نشده‌اند، عدم توجه به این شاخص‌ها، نه تنها ارزشیابی را در درس تاریخ بی‌اهمیت جلوه می‌دهد؛ بلکه دانش‌آموزان را از آن چه که باید از محتوای کتاب تاریخ بدانند و در آینده به کار ببرند بی‌نصیب خواهد کرد. به طور نمونه، در مقوله خود ارزیابی در نیل به فهم تاریخی که شامل سه شاخصه بررسی اسناد و بازپردازی حادثه تاریخی، اصلاح و مستدل کردن تبیین و بیان مستند و مستدل آن و دسترسی به اسناد و متخصصان تاریخ است، خیلی کم به این موارد اشاره شده است. این بررسی حاکی از این است که فراهم آوردن شرایط خود ارزیابی برای دانش‌آموزان از اهمیت بالایی برخوردار است، باید شرایطی فراهم آید که دانش‌آموز به اسناد دسترسی داشته باشد و تعامل موثر با معلم و دانش‌آموز دیگر داشته باشد، در صورت کاربرد شاخصه‌های فوق، شرایطی فراهم می‌شود که لذت فهم تاریخی و بهره‌گیری از آن در خود دانش‌آموز شکل گیرد؛ اما توجه به این مقوله در کتاب تاریخ، شرایط نامناسبی را از خود ارزیابی برای دانش‌آموزان فراهم می‌کند و آن‌ها را از این درس، دور خواهد کرد.

- نکته دیگری که در محتوای کتاب تاریخ (۱) به چشم می‌خورد این است که رویدادهای مهم تاریخی به صورت ملموس و عینی و شفاف مطرح نگردیده است و ارائه اطلاعات با هدف تاریخ‌نگاری و کاوش‌گری است. خط زمان و کرونولوژی در حد اشاره به بعضی رویدادها است و بسیاری از رویدادهای مهم تاریخ باستان را پوشش نمی‌دهد.

- فقدان تحلیل ریشه‌ها و زمینه جنگ‌ها و سقوط سلسله‌ها از کاستی‌های دیگر محتوای کتاب است: بر این اساس به موارد زیر اشاره می‌شود.

مورد اول: در درس ۹ قسمت سقوط حکومت ماد به خوبی تحلیل نشده است و به صورت خلاصه، به هم‌دستی بزرگان ماد با کورش هخامنشی اشاره شده است. یا در مبحث حملهٔ کمبوجیه به مصر بهتر بود عوامل زمینه‌ساز وقوع این رخداد بزرگ بیان و ریشه‌یابی می‌شد.

مورد دوم: در درس دهم جنبش مزدک به درستی تحلیل نشده است. در واقع حق مطلب دربارهٔ مزدک که توانست تحولی بزرگ در عصر ساسانیان به وجود بیاورد، را ادا نمی‌کند.

مورد سوم: جنبش مانی نیز نیاز به توضیح بیشتری دارد؛ برای نمونه در بحث مخالفت و تحریک موبدان به‌ویژه کرتیر و کشته شدن مانی و مواردی دیگر از این قبیل.

- مغفول ماندن برخی مطالب در متن: بررسی کتاب از نظر محتوایی نشان می‌دهد که برخی نکات مهم از بررسی مغفول مانده‌اند. برای نمونه در درس هشتم قسمت قسمت تمدن ایلام کتاب نتوانسته است به صورت گویا در بردارندهٔ تمدن ایلام باشد. برای نمونه دوره‌های حکوت ایلام (ایلام قدیم، میانه و جدید)، پادشاهان این سلسله و اقدامات آنان، دستاوردهای تمدنی (فقط به شهر و شهر نشینی و دین اشاره شده است)، عصر طلایی ایلام، نادیده گرفته شده است. در صورتی که لازم بود به قسمت از متن کتاب به اوضاع سیاسی، یک قسمت به موضوعات فرهنگی، یک قسمت به موضوعات اقتصادی و اجتماعی و غیره اختصاص یابد. نمونهٔ دیگر مغفول ماندن مطالب در مورد تمدن آشور با توجه به حجم زیاد درس است. در صورتی که بهتر بود برای آشنایی دانش‌آموزان به معرفی قسمتی از این دو تمدن و مقایسهٔ آن‌ها می‌پرداخت.

- نویسندگان کتاب تاریخ (۱) در متن از شخصیت‌های مهمی مثل سورنا، آریوبرزن و... در تاریخ ایران باستان یاد کرده‌اند ولی مشخص نشده است که این شخصیت‌ها چه سرانجامی داشته‌اند. به نظر نگارنده، در مبحث آریوبرزن، بیش از نام بردن از او باید دانش‌آموز با رشادت و دلاوری‌های او آشنا شود. لازم است دانش‌آموزان با شخصیت‌های مهم و اقدامات آنان هر چند کوتاه و مختصر آشنا شوند، نه این که فقط اسم آنان را بدانند. شاید بگویید معلم پیش از درس خود، آگاهی لازم را دربارهٔ آن شخصیت به دانش‌آموزان بدهد؛ اما نیک می‌دانید آنچه نوشته می‌شود کجا و آنچه بر زبان جاری می‌گردد کجا! تفاوت فراوانی است بین این دو. نوشتن چندسطر از زندگی شخصیت‌های مهم تاریخی به تثبیت مفاهیم تاریخی نیز کمک فراوانی می‌کند. در بخش آریوبرزن آنجا که متن خوانده می‌شود، دانش‌آموز هیچ شناختی از آریوبرزن و اقدامات او ندارد، به نظر می‌رسد که توضیحات مختصر دربارهٔ این افراد مهم در پیچه‌های ورود به مفهوم‌شناسی حوادث و رویدادهای تاریخی بوده‌اند که جای آن‌ها در کتاب تاریخ دهم خالی است.

- عکس امام خمینی (رح) که در محتوای اول کتاب طراحی شده است می‌توانست جذاب‌تر باشد و سخنی که از ایشان روی عکس درج شده است می‌توانست سخنی مربوط به تاریخ باشد.

- از مباحث چالش‌برانگیز، ارائهٔ بحث دربارهٔ جنگ‌های ایرانیان و یونانیان، جنگ‌های ایرانیان و عرب‌ها و... است که توجه جدی‌تر را در لایه متون کتاب درسی می‌طلبد. در درس نهم نیز دلاوری‌های آریوبرزن در مقابل اسکندر نیاز به توجه بیشتری دارد.

- مطرح کردن مطالب، تصاویر، نقشه‌ها و... بدون ذکر سند یا منبع: برخی از مطالب بیان شده، تصاویر و در متن کتاب نیاز به سند و معرفی منابع دارند.

- ابهام دربارهٔ برخی مطالب مطرح شده: در واقع برخی مطالب مطرح شده در کتاب برای شناساندن به مخاطب، نیاز به توضیح و تلاش بیشتری دارد. برای نمونه در درس نهم در مبحث جنگ‌های ایران و یونان از قراردادهای بسته شده بین دو دولت هیچ توضیحی نیامده است. همچنین در درس ششم در مبحث جنگ آتن و اسپارت هیچ توضیحی در مورد

پادشاهان هخامنشی مقارن با این جنگ‌ها و نفع آن‌ها در این جنگ‌ها داده نشده است. در صورتی که بهتر است این موارد به صورت شفاف برای دانش‌آموزان روشن شود تا دانش‌آموزان دچار ابهام و سر درگمی نشوند.

- عدم توجه به روش علمی تاریخنگاری و پرداختن به وقایع نگاری در برخی مطالب کتاب. برای نمونه می‌توان به مطالب درس نهم و دهم اشاره کرد که نویسندگان بیشتر به وقایع نگاری پرداخته‌اند و از روش علمی تاریخنگاری و ویژگی‌های آن از جمله: نظم منطقی و انسجام محتوایی مطالب، ایجاد رابطه علی و معلولی میان پدیده‌ها، تحلیل و تفسیر داده‌ها، قرار دادن رخدادهای تاریخی در جایگاه واقعی‌شان، حفظ تسلسل زمانی و ترتیب تاریخی و... دور شده‌اند.

نقد روشی

هیچ علمی بدون روش نیست و ارزش یافته‌های پژوهشی به میزان درستی روش بستگی دارد که از طریق آن به دست آمده است. از این رو، انتخاب روش درست در تحقیقات علمی، گاهی بیشتر از استعداد و نبوغ پژوهشگر اهمیت دارد، زیرا روش، نحوه مواجهه با دانش را تعیین می‌کند و می‌تواند موجب توقف و رکود علم یا سرعت و پیشرفت آن شود (رضی، ۱۳۸۶: ۱۳۰). مؤلف کتاب درسی نیز باید ضمن انتخاب روش مناسب با موضوع کتاب و پایبندی به اصول و ضوابط آن، روش صحیح مواجهه علمی با موضوع کتاب را عملاً به دانش‌آموز بیاموزد. از این رو، یکی از شاخص‌های مهم ارزیابی کتاب، ارزیابی از روشی است که در کتاب نویسنده به آن توجه کرده است. در ارزیابی روشمند بودن کتاب، گاه روش تحقیق یا شیوه مواجهه علمی نویسنده با موضوع کتاب و گاه روش ارائه مطالب آن مورد نظر است. در نوع اول باید تناسب روش تحقیق نویسنده با موضوع کتاب ارزیابی شده، معلوم شود که آیا نویسنده برای مواجهه با موضوع از روش درستی استفاده کرده است یا نه؟ و آیا نویسنده در استفاده از روش مورد نظر به اصول و ضوابط آن روش پایبند بوده یا در مواردی از آن عدول کرده است؟ (قراملکی، ۱۳۸۳: ۲۵۳-۲۵۶). زیرا که انتخاب درست و منطقی روش یا ارائه یک طرح تحقیق منسجم و استوار خود نیمی از پژوهش محسوب می‌شود زیرا بر سرنوشت پژوهش اثر مستقیم و تعیین کننده‌ای می‌گذارد (سریع‌القلم، ۱۳۸۰: ج ۱/ ۱۰۰).

یکی از سوالاتی که درباره روش تحقیق مطرح می‌شود این است که چرا این دوره، مورد مطالعه نویسندگان بوده است؟ چنانچه از محتوای کتاب تاریخ (۱) بر می‌آید روش مطالعه به طور واضح و شفاف بیان نشده است. بر اساس اظهارات مؤلفان کتاب، مشاهده می‌شود که در هنگام بیان روش مطالعه از دو زمان و دو دوره متفاوت یاد شده است. یعنی یک‌بار تاریخ ایران باستان و یک بار تاریخ جهان. ولی علی‌رغم ادعای نویسندگان که ذکر کرده‌اند محتوا و مطالب کتاب به تاریخ ایران باستان و جهان باستان اختصاص دارد، از درس هفتم به بعد خبری از تاریخ جهان باستان نیست و به تبع آن مباحث مربوط به این تمدن‌ها به فراموشی سپرده شده است. مطالب درس هفتم به بعد، بیشتر در مورد تمدن ایران باستان از آغاز تا پایان حکومت ساسانیان است. مؤلفان کتاب در این درس‌ها به مؤلفه‌هایی از هویت ملی ایرانیان باستان از جمله: کشورداری و سیاست، جامعه و خانواده، اقتصاد و معیشت، دین و اعتقادات دینی، جشن‌ها و مناسبت‌ها، ادبیات، زبان، علم و آموزش، هنر و معماری و ابنیه و آثار تاریخی پرداخته‌اند. برای این که طرح تحقیق در کتاب منسجم و استوار باشد و با عنایت به این که عنوان کتاب نیز تاریخ ایران و جهان باستان است پیشنهاد می‌شود تا مؤلفان کتاب از درس هفتم به بعد هویت بخشی تمدن‌های جهان باستان را نسبت به تمدن ایران باستان بیان کنند تا این کاستی کتاب بر طرف گردد.

در نوع دوم، ارزیابی و میزان رعایت بی‌طرفی علمی نویسنده در بررسی‌ها و داوری‌هایی که در کتاب انجام می‌دهد از شاخص‌های ارزیابی روشی است. نویسنده با استفاده کافی از منابع موجود و معرفی آن‌ها می‌تواند در کیفیت ارزیابی کتاب موثر باشد. باید مشخص کرد که منابع مورد استفاده چقدر معتبرند؟ و نویسنده در استفاده از منابع چه میزان به رعایت امانت بوده است؟ در ارزیابی روش ارائه مطالب باید به دو سوال در ارتباط با کتاب و نویسنده آن پاسخ داد:

۱- آیا نویسندۀ مطالب مطالب را طوری، ارائه می‌کند که چگونگی مطالعات بعدی را به دانش‌آموز نشان دهد و زمینه برخورد فعالانۀ او را فراهم می‌کند یا آن که ارائه مطالب به شیوۀ یک‌طرفه است و دانش‌آموز را منفعل تربیت می‌کند؟ برای مثال، آیا نویسنده منابع کمکی را برای مطالعات تکمیلی دانش‌آموز معرفی کرده و یا اصولاً منابع مورد استفاده خود را به طور کامل آورده است؟ و آیا در معرفی منابع تنها به منابع چاپی بسنده کرده یا به منابع الکترونیکی (نوارهای صوتی و تصویری، نرم‌افزارها و پایگاه‌های اینترنتی) نیز توجه داشته است.

منابع و مراجعی که مؤلفان کتاب از آن‌ها استفاده کرده‌اند، با توجه به دو حوزه ایران باستان و جهان باستان متنوع است. هر چند برخی از منابع از نظر اعتبار علمی کتاب‌های معتبری نیستند. باید تلاش نویسندگان را در بهره‌گیری از منابع و مآخذ به روز ستود.

مؤلفان تاریخ (۱) پایه دهم در پایان کتاب به معرفی منابع و مآخذ مورد استفاده خود از جمله منابع و مآخذ فارسی، لاتین، سایت‌ها و منابع الکترونیکی پرداخته‌اند؛ ولی شیوه ارجاع دهی در داخل متن وجود ندارد و نویسندگان منابع و مآخذی که استفاده کرده‌اند در آخر کتاب ذکر کرده‌اند؛ در صورتی که بهتر بود در هر صفحه منبعی که مورد استفاده قرار گرفته بود با ذکر نام نویسنده، کتاب، جلد و شماره صفحه در پاورقی یا در پایان هر درس قید می‌شد تا دانش‌آموزان بهتر متوجه می‌شدند که این قسمت از متن، از کدام منبع و از چه قسمتی بر گرفته شده است. طبیعتاً پژوهشی که ارجاعات و پانوشت‌های فراوانی دارد به همان نسبت قوی‌تر و مستندتر خواهد. علاوه بر آن یکی دیگر از سوالاتی که درباره روش تحقیق مطرح می‌شود این است که علت انتخاب منابع نامبرده شده در این پژوهش چه بوده و چرا به منابع دیگر در این دورۀ زمانی استناد نشده است؟ شایسته است در آغاز کتاب مبحثی در این زمینه برای جلب توجه فراگیران آورده شود. علاوه بر آن با مطالعه و بررسی منابع کتاب متوجه می‌شویم که برخی از متون تاریخی در این کتاب مغفول مانده‌اند. و بهتر بود نویسندگان از منابع بیشتری برای ارائه مطالب استفاده می‌کردند.

۲- آیا نویسنده برای تقویت و تحکیم یادگیری مطالب کتاب در ذهن دانش‌آموز تدابیری اندیشیده است؟ برای نمونه، از آموزه‌های علوم روانشناسی، علوم تربیتی در شیوۀ ارائه مطالب بهره برده است؟ آیا به یافته‌های رشته‌هایی مانند برنامه‌ریزی درسی و تکنولوژی آموزشی در شیوۀ یاددهی و یادگیری توجه داشته است؟ آیا از ابزارهای لازم برای تفهیم مطالب، مانند مثال‌ها، تصاویر، جداول و نمودارها به خوبی استفاده کرده است؟

در کتاب تاریخ (۱) پایه دهم علوم انسانی این است که برخی از شاخص‌های ناظر به اصول انتخاب محتوای آموزشی در یادگیری و تقویت و تحکیم مطالب درس تاریخ توجه جدی نشده است. این عدم توجه، زمینه تربیتی مناسبی را برای خوانندگان این کتاب فراهم نخواهد کرد. به طور نمونه به شاخص ذکر تبیین‌ها و اسناد جدید برای حوادث اصلاً توجه نشده است و با توجه به این که دانش انسان با در نظر گرفتن محدودیت‌های وجودی او نمی‌تواند به عنوان دانشی تغییرناپذیر در نظر گرفته شود. با این حال کشف اسناد جدید و توضیحات کامل‌تر باعث می‌شود که نگاه دانش‌آموزان و خوانندگان کتاب تاریخ (۱) به حوادث تاریخی دچار دگرگونی شود. به عبارتی دیگر با گسترش فناوری اطلاعات در جامعۀ کنونی ضرورت توجه به این شاخص بیشتر خواهد بود. زیرا دانش‌آموزان در معرض انبوهی از اطلاعات و اسناد جدید قرار می‌گیرند که می‌تواند نظر آن‌ها را درباره حوادث تاریخی تغییر دهد. ولی در این کتاب از تبیین‌ها و اسناد جدید استفاده نشده است که این امر مانع از آشنایی دانش‌آموزان با ماهیت پویایی علم تاریخ می‌شود. از دیگر شاخص‌هایی که کمتر مورد توجه مؤلفان کتاب قرار گرفته است می‌تواند شاخص ارتباط رخدادها در دست تاریخی با مسائل جدید جامعه و دانش‌آموزان اشاره کرد. افزون بر آن اگرچه در کتاب تاریخ (۱) پایه دهم از تصاویر، جداول و نمودارهای زیادی استفاده شده است ولی اشکالاتی نیز در این زمینه وجود دارد. برای نمونه می‌توان گفت که قسمت بیشتر اطلاعات کتاب در قالب تصاویر، نمودارها و... به صورت کلی و گذرا مطرح گردیده است و در متن کتاب به آن هیچ توجهی نشده است. همچنین

نویسندگان کتاب در بخش سخنی با دبیران ذکر کرده‌اند مباحثی که در قسمت نقشه‌های تاریخی، نمودارها، جدول‌ها و ... آمده است ارزش و اهمیتی هم‌چون سایر بخش‌های کتاب دارد ولی در آزمون‌های مستمر و پایانی و کنکور، از محفوظات این قسمت‌ها نباید پرسشی طرح شود. ذکر این مطلب توسط نویسندگان سبب گردیده است که بسیاری از معلمان این مطالب را به صورت جدی در نظر نگیرند و آن‌ها را خارج از مبحث امتحان بدانند و از دانش‌آموزان کاوش و تحقیقی در این زمینه نمی‌خواهند و مسلماً دانش‌آموزان هم از همان آغاز خواندن کتاب توجه و انگیزه‌ای برای خواندن محتوای این قسمت‌ها نداشته باشند و احساس کنند که خواندن این مطالب هیچی اثر مثبتی در درس و امتحان آن‌ها ندارد؛ چون نویسندگان از همان ابتدا بر روی آن‌ها خط کشیدند. در صورتی که توجه به این موارد سبب تقویت مهارت ذهنی فراگیران می‌شود. علاوه بر آن چون بخش عمده‌ای از محورهای کتاب با فعالیت دانش‌آموزان تکمیل می‌شود بنابراین توجه به این موارد سبب می‌گردد که از انباشت اطلاعات، جلوگیری شود و آموزش عمیق‌تر اتفاق بیفتد. همچنین توجه فراگیران به این قسمت از مطالب کتاب باعث می‌شود که به مرزهای خارج از کلاس دعوت شود و قدرت خلاقیت، تجزیه و تحلیل و استنباط آن‌ها افزایش یابد.

سنگین بودن برخی مطالب کتاب به‌ویژه در سه درس اول نیز تفهیم مطالب برای دانش‌آموزان را سخت کرده است، در صورتی که نویسندگان کتاب می‌توانستند مطالب را ساده‌تر، زیباتر و مبتنی بر بخشی از پرسش‌های نسل نوجوان و جوان مطرح کنند.

نقد شکل ظاهری

کتاب درسی، ابزار کار دانش‌آموزان است و دانش‌آموزان حداقل یک سال با آن سر و کار دارند. جذابیت ظاهری کتاب با توجه به خصوصیات روحی و سلائق دانش‌آموزان از اهمیت خاصی برخوردار است و از جهت برانگیزاندگی در امر یادگیری موثر است.

بررسی موارد زیر می‌تواند در ارزیابی شکل ظاهری کتاب مد نظر قرار گیرد:

۱- حجم و متن کتاب نباید غیر متعارف باشد. اگر کتاب خیلی قطور باشد به راحتی نمی‌توان آن را در حالت‌ها و وضعیت‌های مختلف مطالعه کرد. باید شمار صفحات متناسب با محتوای کتاب و درس باشد. می‌توان گفت برای هر واحد درسی میانگین، حدود صد صفحه مناسب است که تاریخ (۱) فاقد این ویژگی می‌باشد.

علاوه بر آن ساعت‌های تدریس باید با مطالب (شمار صفحات و محتوای) کتاب هم‌خوانی داشته باشد و دانش‌آموز بتواند آن را در هر شرایطی مطالعه کند. این در صورتی است که حجم مطالب هر درس بسیار زیاد، و در عین حال نا هماهنگ با همان درس است. همچنین ساعت تدریس با مطالب کتاب هم‌خوانی ندارد. به عنوان نمونه دانش‌آموز در درس چهارم تاریخ (۱) باید سیر پیدایش تمدن، تمدن بین‌النهرین، تمدن مصر و میراث تمدنی را یکجا بیاموزد. همچنین در درس پنجم تمدن هند و چین و در درس ششم تمدن یونان و روم را یکجا بیاموزد. ناهماهنگی و حجم انبوه مطالب کتاب یادگیری را مشکل و سبب بی‌علاقگی دانش‌آموزان به درس تاریخ می‌شود. افزون بر آن، حجم مطالب زیاد این درس‌ها تجزیه و تحلیل را برای دانش‌آموزان سخت کرده است. این در حالی است که فضای حاکم بر کتاب باید بتواند تحلیل مسائل روز جامعه را بر مبنای آگاهی‌های تاریخی به فراگیران بیاموزد. بنابراین با توجه به حجم کتاب، گستردگی و تنوع مباحث فراوانی که دانش‌آموزان نسبت به موضوعات گوناگون تاریخی مطرح شده آن دارند، و اهمیت به کارگیری روش‌های فعال تدریس جهت آموزش مفاهیم تاریخی در این کتاب، و پرداختن به برخی از فعالیت‌های داخل دروس که باید در کلاس توسط دانش‌آموزان به صورت فردی یا گروهی انجام گیرد، و امثال این‌ها سه ساعت تدریس هفتگی مطلقاً جوابگو نیست؛ از این‌رو لازم است یا حجم کتاب کمتر شود، برخی از مطالب کتاب خلاصه مطرح شوند و یا به صورت جدول ارائه گردند. همچنین بهتر است نویسندگان اطلاعات مربوط به هر بخش را بدون توضیح و مثال اضافی بیان کنند و برای

کلمات، منقولات، محسوسات، مکتوبات و معقولات معادل سازی شود که دانش آموزان در هر حالتی بتوانند آن را مطالعه کنند که این هم جالب نخواهد بود و یا بهتر است در صورت امکان یک ساعت به ساعت تدریس هفتگی درس تاریخ (۱) پایه دهم علوم انسانی افزوده گردد. چون این کتاب علاوه بر مطالب نظری، به باز دیدهای علمی و یافته های عملی نیز نیاز دارد.

۲- نامتناسب بودن فصل های کتاب؛ باید میان حجم صفحات هر فصل با فصل های دیگر تناسب وجود داشته باشد، چنان نباشد که فصلی ۱۰ صفحه و فصلی دیگر ۴۰ صفحه داشته باشد. طبقه بندی درست مطالب و فصل بندی منطقی کتاب در ایجاد تناسب میان حجم فصل ها موثر است.

کتاب تاریخ (۱) در سه فصل تدوین شده است:

فصل اول که در سه درس تدوین شده است و از صفحه ۱ تا صفحه ۲۰ را در بر می گیرد.

فصل دوم که در سه درس سازماندهی شده است و از صفحه ۲۹ تا صفحه ۵۰ را شامل می شود.

فصل سوم که ایران در عصر باستان نام گذاری شده است شامل درس هفتم تا شانزدهم می باشد و بیشترین صفحات کتاب یعنی از صفحه ۶۱ تا صفحه ۱۴۳ مربوط به همین فصل است. این فصل کتاب را نامتناسب کرده است.

به هر حال، فصل ها و بخش های هر کتاب چهارچوبی منطقی از نظر حجم و محتوا دارد که در فصل سوم کتاب دیده نمی شود.

۳- کیفیت حروف نگاری (تایپ) و اعراب گذاری نیز از عوامل جذابیت کتاب است. برای مثال، استفاده از حروف متفاوت در متن (تفاوت نوع حروف، اندازه حروف و رنگ حروف) جهت برجسته کردن برخی از نکات علاوه بر آن که توجه دانش آموز را به نکات اصلی متن جلب می کند، موجب چشم نوازی صفحات کتاب می شود.

اگرچه در تاریخ (۱) تلاش شده است تا اصلاحات صورت گیرد ولی هنوز کاستی هایی به چشم می خورد. و با توجه به این که این کتاب به بیان مطالب تاریخی پرداخته است، شاهد کلماتی هستیم که بهتر است با اندازه بزرگ تر و رنگ متفاوت نوشته شوند و یا اعراب گذاری شوند تا هم نکات اصلی برجسته تر و هم تلفظ آنان برای دانش آموزان میسر باشد. برای مثال برخی از این واژه ها عبارتند از: ریتون، گئومات مغ، بلاش یکم، گوگمل، دبیربد و...

همچنین بهتر بود در هنگام اشاره به برخی از اصطلاحات و مفاهیم تاریخی تعریف دقیقی از آن ها در پاورقی ذکر شود. به عنوان مثال نویسندگان به آشکده، کنسول، صحراگردان سکایی، شهر صد دروازه، جشن سده، مهرگان و... پرداخته اند؛ اما اشاره ای به تعریف صحیح آن ها نشده است. بر این اساس تعریف صحیح از این موارد باید به عنوان یکی از محورهای اصلی کتاب، قرار بگیرد. نام شخصیت های نام برده در کتاب در هر درس، می تواند پررنگ تر یا از رنگ دیگری استفاده شود.

در واقع استفاده از فونت های مختلف در ارائه مفاهیم بسیار موثر است. در این کتاب به این نکته مهم کمتر توجه شده است.

۴- کیفیت صفحه آرایی، به طوری که علاوه بر زیبایی صفحات زمینه ساز بهره وری کافی برای ارائه مطالب بیشتر باشد. نحوه چینش نمودارها، جداول، اشکال و نقشه ها در لا به لای مطالب کتاب نقش مهمی در کیفیت صفحه آرایی دارد. صفحه آرایی کتاب شبیه به طراحی ساختمان است. گرافیکست با مشورت ویراستار و تأمل در فهرست مطالب کتاب و

فصل‌بندی مشخص می‌کند که در آغاز هر فصل که هم‌چون اتاقی است چه در گاه و دری بسازد تا خواننده با دیدن آن احساس کند که وارد فضای جدیدی شده است (انوری، ۱۳۷۷: ۸۲).

در یک نگاه کلی صفحه‌آرایی کتاب تاریخ (۱) مورد قبول است. انتخاب نوع حروف، فاصله سطور، فونت‌های مورد استفاده در فصل‌ها و بخش‌ها، عناوین تمرین‌ها، و دیگر بخش‌های کتاب هدفمند بوده است و صفحه‌آرایی قابل قبولی را ارائه داده است؛ اما اگر با دقت و تأمل در صفحه‌آرایی نگاه کنیم، اصلاحات زیر می‌تواند کتاب را زیباتر کند:

- بی‌شک مؤلفان کتاب می‌توانستند برای صفحه‌آرایی از نقاشی‌های شکوهمندتری بهره ببرند: چون تصاویر نسخ خطی، کتیبه‌ها و... افزون بر آن قسمت‌هایی از کتاب ما شاهد آوردن حجم زیادی از نمودارهای خط زمان، تصاویر، نقشه‌ها در یک درس هستیم به طوری که دانش‌آموزان از مطالعه آن‌ها خسته می‌شوند؛ مانند درس ششم (یونان و روم). ولی در قسمت‌هایی از کتاب که نیازمند جدول، نقشه، خط زمان یا تصویر است به ندرت به جدول، خط زمان یا تصویری اشاره شده است به گونه‌ای که دانش‌آموز با آن درس یا واقعه، ارتباطی برقرار نمی‌کند و به حقیقت مطلب پی نمی‌برد. مانند مبحث مربوط به دانشگاه جندی‌شاپور در درس پانزدهم، مبحث مربوط به پادشاهان اشکانی در درس دهم و... که زیاد به آن‌ها پرداخته نشده است. در صورتی که لازم است در این قسمت‌ها نیز از تصاویری استفاده می‌شد.

- فونت پانویشت کوچک‌تر انتخاب می‌شد.

- فاصله سطور پایین صفحه یکسان می‌بود. در صفحه‌آرایی معمولاً تلاش بر آن است که فاصله‌ای در بالا و پایین صفحه و در سمت و راست و چپ صفحه باشد. این توازن در کتاب رعایت نشده است.

- سطرهای کتاب یک‌نواخت و هماهنگ می‌بود، در برخی صفحات ۴۴ سطر یا ۴۵ سطر آمده است، مثل صفحه ۵۸، در حالی که در کتاب صفحاتی را مشاهده می‌کنیم که در ۱۳ سطر صفحه‌آرایی شده‌اند.

- برخی از صفحات مانند صفحه ۱۳۰، ۱۳۵، و... به صفحه‌آرایی مجدد نیاز دارند. چون متن و عبارت‌ها پشت سر هم آمده‌اند و هیچ خلایقی در صفحه‌آرایی دیده نمی‌شود و حقیقتاً خواننده را خسته می‌کند.

۵- همچنین نوع جلد کتاب از موارد مهم است؛ زیرا جلد کتاب مانند نمای بیرونی یک ساختمان است و نخستین برخورد خواننده با کتاب دیدن جلد آن است. کیفیت نوع و جنس جلد کتاب‌های درسی و خوش‌طرح و خوش‌رنگ بودن جلد آن‌ها در صورتی که به سادگی طرح همراه باشند زمینه‌ساز هم‌سویی عاطفی دانش‌آموز با کتاب و محتوای آن خواهد شد. طراحی جلد کتاب شامل طرح روی جلد، پشت جلد و عطف کتاب می‌شود.

انتخاب رنگ‌های متناسب با کادرهای سبز و نارنجی، بهره گرفتن از دو رنگ آبی، سفید و کرم و خردلی در کنار تصاویر تخت جمشید و ظروف به کار رفته در ایران باستان، طراحی جلد را زیبا کرده است. ترکیب رنگ‌ها آرامش خاصی را القا می‌کند. انتخاب رنگ آبی روشن به عنوان رنگ غالب روی جلد خواننده را به درنگ و تأمل وا می‌دارد؛ اما با این حال طرح روی جلد و پشت کتاب تاریخ (۱) در عین زیبایی و سادگی به هیچ وجه توجه دانش‌آموز را به تمامی تمدن‌هایی که در کتاب از آن‌ها نام برده شده جلب نمی‌کند. پیشنهاد می‌شود تصویری بسیار زیبا و پر محتوای که مربوط به تاریخ تمدن ایران و جهان باستان باشد برای طرح روی جلد و پشت کتاب استفاده شود حتی در صورت امکان به مسابقه کشوری گذاشته شود. زیرا به منظور وجه تناسب و ارتباط طرح روی جلد و مطالب کتاب می‌توان تصاویر دیگری را مد نظر قرار داد.

۶- کیفیت صحافی در کتاب‌های درسی بسیار مهم است؛ زیرا کتاب درسی وسیله کار دانش‌آموز است. او هم در مدرسه هم در محل سکونت (در حالت‌های مختلف) از آن استفاده می‌کند، در این صورت باید طوری صحافی شود که با استفاده

زیاد شیرازۀ آن از هم نپاشد. این در حالی است که جلد کتاب تاریخ (۱) با چندین بار استفاده دانش‌آموزان از بدنه اصلی کتاب جدا می‌شود.

علاوه بر آن نوع کاغذ نیز در کتاب‌های درسی مهم است. کتاب تاریخ (۱) از لحاظ کاغذ متأسفانه، کیفیت چندانی ندارد. استفاده از کاغذ مرغوب در حدی که به افزایش بیش از حد قیمت کتاب منجر نشود توصیه می‌شود.

نتیجه

کتاب درسی خصوصیات و ویژگی‌های متنوع و ابعاد گوناگونی دارد. داوری درباره آن مستلزم ارزیابی همه‌جانبه و نقد و بررسی کتاب از جنبه‌های گوناگون؛ از جمله محتوایی، زبانی، روشی، ساختاری و شکل ظاهری است. توفیق یک کتاب درسی نتیجه حاصل جمع امتیازهایی است که آن کتاب در زمینه‌های مختلف به دست می‌آورد. در نتیجه‌گیری نهایی می‌توان این‌طور اظهار کرد که کتاب تاریخ (۱) پایه دهم علوم انسانی علی‌رغم این که توانسته است دانش‌آموزان را با تاریخ‌شناسی و تاریخ تمدن در ایران باستان و جهان آشنا سازد، لکن بنا بر دلایل ذکر شده در متن مقاله نتوانسته است به اهداف کامل خود در این زمینه برسد؛ لذا انتظار می‌رود با توجه به اهمیت موضوع ارزیابی و نقد در پژوهش‌های علمی و با توجه به مطالب ارائه شده در ارتباط با کتاب ذکر شده، پژوهشگران علاقه‌مند به این حوزه، با در نظر گرفتن ایرادات ذکر شده، بتوانند مطالب با کیفیت‌تری در این زمینه ارائه دهند.



منابع و مأخذ

- انوری، حسن و علی محمد پشت‌دار (۱۳۷۷). *آیین نگارش و ویرایش*، تهران: دانشگاه پیام‌نور.
- برک، لورا (۱۳۸۳). *روانشناسی رشد*، ترجمه یحیی سید محمدی، تهران: ارسباران.
- خیراندیش، عبدالرسول (۱۳۸۶). «جغرافیا و آموزش تاریخ»، *رشد آموزش تاریخ*، دوره نهم، شماره ۱.
- راجردی، دومینیک، ج. آ (۱۳۸۴). *تحقیق در رسانه‌های جمعی*، ترجمه کاووس سید امامی، تهران: سروش.
- رضی، احمد (۱۳۸۶). «روش در تحقیقات ادبی ایران»، *گوهرگویا*، شماره ۱.
- رهادوست، بهار (۱۳۸۲). «رویکرد بین رشته‌ای و مطالعات ادبی»، *زیبا شناخت*، شماره ۹.
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۸۰). *روش تحقیق در علوم سیاسی و روابط بین‌الملل*، تهران: انتشارات فرزانه روز.
- سمیعی، احمد (۱۳۶۷): *آیین نگارش*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۷۶). «آموزش، تحقیق و ترویج (تحلیل محتوای نامه علوم اجتماعی)»، *نمایه پژوهش*، ش ۱.
- قاضی مرادی، حسن (۱۳۹۱). *درآمدی بر تفکر انتقادی*، تهران: دات.
- قراملکی، احد (۱۳۸۳). *اصول و فنون پژوهش در گستره دین‌پژوهی*، قم: حوزه علمیه قم.
- کاردان، علی محمد (۱۳۸۲). «نقش کتاب دانشگاهی و ویژگی‌های آن»، *سخن‌سمت*، شماره ۱۰، تهران: مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی وابسته به سمت.
- متین، پیمان (۱۳۸۲). «کتاب درسی معیار در انگلستان و ویژگی‌های آن» *سخن‌سمت*، شماره ۱۰، تهران: مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی وابسته به سمت.
- ملائی توانی، علیرضا (۱۳۸۶). *درآمدی بر روش پژوهش در تاریخ*، ویراستار لاله خاکپور، تهران: نشر نی.
- ملکی، حسن (۱۳۸۴). «شیوه طراحی و تألیف کتاب درسی»، *سخن‌سمت*، شماره ۱۵، تهران: مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی وابسته به «سمت».
- ملکی، حسن (۱۳۸۶). *مقدمات برنامه‌ریزی درسی*، تهران: سمت.
- ولف، ریچارد (۱۳۷۵). *ارزش‌یابی آموزشی*، ترجمه علیرضا کیامنش، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- هیل، س. پ (۱۳۳۴). *آموزش تاریخ*، ترجمه مهدی جلالی، تهران: کمیسیون ملی یونسکو در ایران.